

فشار به پزشکيان
درخواست مخالفان از رئیس جمهورنویسنده توده‌ای
فریدون تنکابنی درگذشتمکر عقل و فریب تاریخ
رضا داوری اردکانی

مرد میدان

به یاد سردار شهید عباس نیلفروشان



یادداشت روز

بازنگری اثربخش

درباره پویش مطالبه‌گری «حق بر ایمنی»
از معدن یورت تا طبسصالح نقره‌کار
حقوقدان

این نخستین بار نیست اما می‌تواند آخرین بار باشد که چنین خبر دهشتناکی چون مرگ ۵۱ نفر کارگر معدن که از مظلوم‌ترین اقشار جامعه هستند، می‌شنویم. ما با چالشی مواجهیم که در مقیاس خرد و کلان تکرارپذیر است و به همین دلیل به نظام حقوقی چالاکتری در دفاع از ایمنی کار و کارگاه و ساختارهای دیده‌بانی و هنجارهای کنترلی موثر نیاز داریم.

ایران یکی از کشورهای پرحادثه کارگاهی است از این نظر باید یک آسیب‌شناسی روشنی از وضعیت کار و کارگاه مدنظر قرار بگیرد. آنچه اتفاق می‌افتد، بی‌توجهی به حق بر ایمنی نسبت به دیگران است. ایمنی کار زمینه توان‌افزایی کارگاه را فراهم آورده و رونق اقتصادی را سبب می‌شود. ما نمی‌توانیم فشار از نظامات و استانداردهای حاکم بر امنیت کار و کارگر، انتظار راندمان داشته باشیم.

امروز جامعه ما بر ضرورت مطالبه «حق بر ایمنی» اجماع دارد. نهادهای متولی را نهب می‌زند که چرا از اقتدار حکمروایی به نفع استیفای حق بر ایمنی بهره نمی‌برند؟ شناسایی هیچ حقی بدون دیده‌بانی و تضمین منشأ اثر نیست.

توان‌افزایی کارگاه منوط به توجه به استانداردهای کار و رعایت حق بر ایمنی است و بسیاری از حوادثی که اتفاق می‌افتد، ناظر بر بی‌توجهی بر این حق است. حفاظت فردی در کارگاه الزامات و استانداردهایی دارد. از ماده ۹۹ آیین‌نامه ایمنی کار در معدن ناظر بر ضوابط حفاظت فردی تا مواد ۹۱ و ۹۵ قانون کار که مسئولیت ایفای مقررات را به عهده کارفرمای کارگاه قرار داده، سلسله هنجارهای بایسته است.

وجود تشکلهای و سندیکاهایی برای رعایت حق بر ایمنی می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. رسانه‌ها و آموزش و نهادهای مدنی و گروه‌های مرجع اجتماعی نباید این شمع احساسات را خاموش کنند تا مگر وجدان و خرد بین‌نخبگانی و جمعی و ملی و حکومتی بسیج برای یک تغییر بازگرنانه و اصلاح‌مندانه شود.

اولین و مهم‌ترین جایگاهی که انجمن‌های صنفی برای خود قائل هستند این است که انجمن‌ها و اعضای آنها، به واسطه آنکه خود در صنعت یا مشاغل خاص به طور مستمر و مستقیم درگیر بوده و بهتر از هر کسی نیازهای خود را می‌شناسند؛ می‌توانند نقش بازوی کارشناسی حاکمیت را داشته باشند و به طرق گوناگون نظرات خود را به گوش سیاست‌گذاران برسانند.

این پتانسیل کارشناسی در انجمن‌ها می‌تواند جبران‌کننده ضعف‌های کارشناسی در بدنه بروکراتیک دولتی باشد که ممکن است در مواردی شناخت دقیقی از سازوکارهای هر صنف از جمله صنف کارگران و در مورد خاص معدن‌چی‌های عزیز کشورمان نداشته باشند. از طرفی دیگر؛ آنها خود را پل رابطی میان مردم و به طور اخص بنگاه‌ها با دولت می‌دانند که وظیفه دارند از طریق سازوکارهای نهادینه شده، صدای مردم را به گوش سیاست‌گذاران رسانده و به نوعی نماینده آنها در نظام حکمرانی کشور باشند. همچنین وجود آنها نوعی سازوکار نظارتی است که می‌تواند بر فرآیندهای نظام حکمرانی نظارت کرده و در جلوگیری از بروز تعارض منافع یا زائل شدن حق‌ها جلوگیری کند.

به‌اضافه اینکه توجه و آگاهی اندک نسبت به اهمیت مساله ایمنی در برابر مخاطرات کارگاه‌ها و ابنیه و معدن‌ها و ساختمان‌ها، ضرورت تکمیل و توسعه استانداردها و نیز آیین‌نامه مقررات ایمنی کارگاه‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین بازنگری اثربخش در فرآیند اقدام سیستم‌های نظارتی از جمله این ضرورت‌هاست.

آینده حزب‌الله

سازندگی بررسی می‌کند:

با ترور و شهادت سیدحسن نصرالله، آینده حزب‌الله چه خواهد شد و رهبر بعدی این سازمان چه کسی خواهد بود؟ آیا حزب‌الله پیشنهاد نخست‌وزیر لبنان را مبنی بر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل می‌پذیرد؟

گروه بین‌الملل: تحولات لبنان از سال‌ها پیش مورد نظر بسیاری از ناظران بین‌المللی همچنین تحلیلگران مسائل منطقه بوده و حالا هم با تحولاتی که طی دو هفته اخیر در این کشور رخ داده، بیش‌ازپیش رویدادهای این کشور زیر ذره‌بین قرار گرفته است. دلیل این امر صرفاً مسائل داخلی لبنان نیست بلکه حملات اسرائیل به این کشور است که حالا لبنان را به سرتیتر اخبار تبدیل کرده است. پس از اعلام شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان تحلیل‌های متعددی در مورد وضعیت سیاسی و میدانی لبنان به رشته تحریر درآمده که هر کدام بر یک موضوع متمرکز است اما آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که با وجود این اتفاقات هنوز ماشین جنگ اسرائیل علیه لبنان و غیرنظامیان آن و حتی حزب‌الله در حال فعالیت است و قربانی می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۳



یاد

مردمیدان

مروری بر سوابق سردار شهید نیلفروشان



سردار عباس نیلفروشان از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لبنان در جریان حمله اسرائیل به منطقه ضاحیه بیروت به همراه دبیرکل حزب الله به شهادت رسید. مجاهدتهای این سردار مجاهد در سنگر دفاع مقدس، جبهه مقاومت، امنیت کشور و دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام ترجمان ایمان، فداکاری و مجاهدت در راه امنیت کشور و آزادی قدس شریف بود. به گزارش تسنیم، سردار نیلفروشان در سال ۱۳۴۵ در شهر اصفهان متولد شد. ۱۴ ساله بود که با دستکاری شناسنامه‌اش دو سال سن خودش را بالا می‌برد تا بتواند به جبهه برود. ابتدا کار خود را با فرماندهی دسته در لشکر ۱۴ امام حسین (ع) شروع می‌کند و تا سال ۶۲ در همین لشکر می‌ماند. بعد از سال ۶۲ به لشکر ۸ نجف اشرف می‌رود و هم‌رزم شهید کاظمی می‌شود و با پایان دفاع مقدس مسئولیت عملیات لشکر ۸ نجف اشرف را به عهده می‌گیرد. وی از سال ۸۴ به نیروی زمینی می‌رود و معاونت عملیات این نیرو می‌شود، پس از آن در دو مقطع به عنوان مسئول عملیات سپاه در لبنان ایفای نقش می‌پردازد و پس از آن برای دوره‌ای، فرماندهی دانشگاه و فرماندهی ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عهده می‌گیرد اما پس از مدتی به معاونت عملیات کل سپاه می‌رود و جانشین معاون عملیات می‌شود. با تشکیل قرارگاه مرکزی امام حسین (ع) با حفظ سمت، جانشینی فرمانده کل سپاه در قرارگاه امام حسین (ع) را به عهده می‌گیرد و پس از انتصاب سردار سلامی به فرماندهی کل سپاه، سردار عباس نیلفروشان از سال ۱۳۹۸ به سمت معاونت عملیات کل سپاه منصوب می‌شود. پس از شهادت سردار زاهدی در ۱۳ فروردین امسال وی به عنوان فرمانده سپاه لبنان منصوب شد و در همین سمت به فیض شهادت نائل آمد.

همچنین سردار نیلفروشان به دلیل تجارب گسترده‌اش در میدان‌های نبرد و تلاش‌های مستمر برای حمایت از محور مقاومت از جمله حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی به‌عنوان یکی از شخصیت‌های کلیدی در حمایت از آرمان‌های مقاومت شناخته می‌شود. حضور فعال او در برنامه‌ریزی‌های نظامی و دیپلماتیک به جبهه مقاومت کمک کرده تا در مقابل تهدیدات مستمر رژیم صهیونیستی و دیگر نیروهای متجاوز، توانایی خود را افزایش دهد. او همچنین به عنوان یک فرمانده استراتژیک، نقش به‌سزایی در هماهنگی بین نیروهای مقاومت در سراسر منطقه ایفا کرد. نیلفروشان با پایبندی به اصول انقلاب اسلامی و دفاع از حقوق ملت‌های مظلوم منطقه از جمله مردم فلسطین و لبنان همواره بر اهمیت مبارزه با ظلم و استکبار جهانی تأکید کرده و از این طریق، محبوبیت و احترام بالایی در میان نیروهای مقاومت کسب کرد.

آینده حزب الله

حزب الله چهارشنبه ۴ مهر ماه حمله موشکی و پهپادی گسترده‌ای را به شمال و عقب اراضی اشغالی انجام داد و جمعیت میلیونی از صهیونیست‌ها را به پناهگاه فرستاد. بعد از آن البته شاهد جنایت دیگری از رژیم صهیونیستی بودیم که به شهادت سیدحسین نصرالله انجامید. آینده حزب الله و مسیر مبارزه با این رژیم جنایتکار اما روشن است و ادامه دارد؛ چنانچه مقام معظم رهبری نیز در پیامی به آن تأکید کردند. در همین راستا محمداسماعیل کوثری در گفت‌وگو با نامه‌نویز درباره پاسخ حزب الله لبنان به جنایت‌های تروریستی رژیم صهیونیستی گفت: رژیم اشغالگر قدس تصور می‌کرد آنقدر قدرت دارد که کسی نمی‌تواند جلوی آن عرض‌اندام کند اما حزب الله نشان داد، خودش را در همه ابعاد تقویت کرده به طوری که با نمایش توانمندی‌هایش کل محاسبات صهیونیست‌ها را به هم زد. وی افزود: روزگاری که حزب الله امکاناتی نداشت توانست در جنگ ۳۳ روزه چنان بلایی سر اسرائیل بیاورد که صهیونیست‌ها برای آتش‌بس به التماس افتادند. از آن روز تا به حال نیروهای پراکنده حزب الله توانمندی‌های خود را ارتقا دادند و اکنون صهیونیست‌ها متوجه شدند که در محاسبات‌شان خیلی بد عمل کردند. اسرائیل شاید در لفظ ادعا کند که خیلی کارها را انجام خواهد داد اما در عمل نمی‌تواند مقابل حزب الله دوام بیاورد.



نقض حقوق بشر

محمدباقر قالیباف: پارلمان‌ها و دولت‌های کشورهای اسلامی باید برای پاسخی بازدارنده به رژیم صهیونیستی و پیگیری اقدامات حقوقی این جنایت‌سبیخ شوند تا دیگر شاهد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر نباشیم. در شرایط کنونی که مشکلات مردم لبنان و آوارگان جنگی رو به افزایش است، مثل همیشه کنار لبنان هستیم و از ارائه هیچ کمکی دریغ نمی‌کنیم.



مردمقاومت

محمدجواد ظریف: سیدحسین نصرالله فرزند خود را در مسیر مقاومت از دست داد اما خم به ابرو نیاورد. این برای اسرائیلی‌ها خیلی گران بود. در آخر هم دیدیم که اسرائیل برای اینکه این جنایت را مرتکب شود چه تعداد از زنان و کودکان بی‌گناه را در یک بمباران به شهادت رساند تا بتواند این بزرگمرد مقاومت را به شهادت برساند.



پیام تسلیت مهدی کروبی

مهدی کروبی: شهادت مجاهد فی‌سبیل‌الله حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین نصرالله، دبیرکل فقید حزب الله لبنان را به همه آزادگان جهان و مسلمانان به خصوص مردم عزیز ایران و لبنان تسلیت عرض می‌کنم. در یک سال گذشته رژیم جنگ‌طلب اسرائیل در پرتو حمایت شرم‌آور آمریکا و سکوت مجامع بین‌المللی بی‌محاسبه مرتکب جنایات کم‌نظیر جنگی در غزه علیه مردم ستم‌دیده و بی‌دفاع فلسطین شده است.

فشار به پزشک‌ها

درخواست مخالفان و منتقدان از رئیس‌جمهور برای ورود ایران به جنگ



شهادت سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان گویا جنس هجمه مخالفان رئیس‌جمهور را از حالتی به حالتی دیگر تبدیل کرده است. پایداری‌ها و حامیان جلیلی ترور سیدحسین نصرالله را هم گردن پزشک‌ها می‌اندازند و حال به او فشار می‌آورند که جنگ را آغاز کند. نکته کلیدی اینجا است که این تحولات درست با آغاز به کار مسعود پزشکیان و دولت جدید همراه شده است. از این‌رو میزان تاثیر تبعات هرگونه اقدام تهران می‌تواند بر عملکرد دولت چهاردهم اثرگذار باشد.

در دو روز گذشته برخی اظهارات عجیب از سوی کسانی که به جریان‌های مختلف وابسته هستند درباره نوع واکنش ایران به حوادث منطقه مطرح شده است، کسانی که بر طبل جنگ می‌کوبند و ترجیح می‌دهند که هر تصمیم خارج از خردی از سوی دولت جدید باشد. از جمله یاسر جبرائیلی، رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی دبیرخانه مجمع تشخیص که با انتشار عکس یک هواپیمای مسافربری نوشته است: «هر هواپیمایی که مقصدش رژیم صهیونیستی است باید یک هدف برای سرنگونی باشد!» یا امیرحسین ثابتی، مجری سابق و نماینده مجلس دوازدهم که گویا ماموریتش برهم زدن آرامش و آشوب به پا کردن است در توییتی می‌نویسد که «در پیام‌های تسلیت عباس عراقچی، جواد ظریف، علی‌اکبر صالحی و محمد خاتمی برای شهید سیدحسین نصرالله حتی یک جمله به نقش آمریکا و نقش این کشور از جنایت‌های اسرائیل اشاره نشده است». ثابتی حتی یک بحث توییتی هم با علی مطهری به راه انداخت و وقتی که مطهری توییتی کرد: «تعلل ایران در پاسخ به ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران، درحالی که دنیا منتظر پاسخ ایران بود، باعث شد رژیم صهیونی جرات پیدا کند که سیدحسین نصرالله را هم ترور کند. ما فریب آمریکا را خوریم که پی‌درپی پیام فرستاد که نزنید، هفته دیگر آتش‌بس را برقرار می‌کنیم».

ثابتی واکنش نشان داد و طبق روال همیشه با متلک به دولت نوشت: «ضمن تشکر از موضع خوب آقای مطهری از ایشان می‌خواهم تا دقیقاً اعلام کنند چه کسی فریب آمریکا را خورد و با سرپیچی از دستور رهبر معظم انقلاب و متوقف کردن عملیات انتقام شهید هنیه، باعث ترور سیدحسین نصرالله شد؟ چرا تاوان ساده‌لوحی عده‌ای خاص را باید ۸۰ میلیون ایرانی و جبهه مقاومت بدهد؟» البته ثابتی تنها کسی نبود که از این توییت بهره‌برداری سیاسی کرد بلکه علی‌اکبر رائفی‌پور هم به جمع آنها پیوست. در بخشی از توییت او چنین آمده است: «چه کسانی با اعتماد به آمریکا و وعده‌های دروغین‌اش در

انجام امر ولی جامعه تعلل کردند؟» در ادامه ابوالفضل ظهروند، نماینده نزدیک به جبهه پایداری مجلس هم در سخنانی بی‌ربط در بخشی از گفت‌وگوی تلویزیونی گفت: «اگر آقای جلیلی رئیس‌جمهور بود و اگر باشد شاید اسرائیل به راحتی به خود جرات نمی‌داد که چنین کارهایی کند. آقای جلیلی منسجم‌تر بود و بدنه مدیریتی‌اش هم منسجم بود. حسن نصرالله هم بدنه یکپارچه‌تری داشت». حمید رسایی، نماینده پایداری مجلس که سخنان بی‌منطقش نیازی به معرفی ندارد نیز در توییتی نوشت: «آیا سیاست تله تش و در تله نمی‌افتیم تیم وزارتخانه ظریف با حکم جهاد امام خامنه‌ای سازگار است؟»

رحمت‌الله بیگدلی، فعال سیاسی در واکنش به این قبیل هججه‌ها، توییتی مستقیم و خطاب به امیرحسین ثابتی نوشت: «امیرحسین ثابتی به عراقچی، ظریف، صالحی و خاتمی تاخته که چرا در پیام تسلیت‌شان درباره شهادت سیدحسین نصرالله به نقش آمریکا اشاره نشده، درحالی که پیام آنان دقیقاً شبیه پیام آیت‌الله خامنه‌ای است!» محمدعلی ابطحی گفت: در برابر اظهارنظرهای تشد و افراطی افراطیون انقلابی‌نما که جنگ طلبی می‌کنند یا سخنان منفعلانه‌ای که دشمنان از آن احساس ضعف برداشت کنند، بهترین کار پای‌بندی به نظرات رهبری انقلاب است که نشان داده هم رهبر انقلابی است و هم در اوج هوشمندی، مراقب مصالح مردم ایران است. در طول جنگ اسرائیل و غزه این درایت را تجربه کرده‌ایم. عبدالرضا داوری هم چنین توییت کرد: «خط ارتباط با اسرائیل به بهبود در میان حامیان سعید جلیلی بسیار پررنگ است». او در جایی دیگر نوشت: «انتخاب پزشک‌ها خارج از محاسبات صهیونیست‌ها بود».

این درحالی است که رئیس‌جمهور پزشکیان که برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کرده است در نشستی با خبرنگاران رسانه‌های آمریکایی نسبت به پیامدهای «غیرقابل بازگشت» وقوع چنین جنگی در منطقه هشدار داد. مسعود پزشکیان افزود که ایران نمی‌خواهد، عامل «ناامنی» در منطقه باشد. وی در بخشی از سخنانش گفت: «اسرائیل هر روز جنگ را در منطقه بیشتر گسترش می‌دهد، بعد ما عامل ایجاد ناامنی هستیم؟ ما چه زبانی باید بگوییم نمی‌خواهیم جنگیم؟ ما هم می‌خواهیم در این دنیا آرام زندگی کنیم. ما اگر درحال ساخت سلاح هستیم برای این است که از خودمان دفاع کنیم. ما آماج ترورهای اسرائیل بودیم. بیشتر از همه کشورها، دانشمندان ما را، رؤسای جمهور ما را و مردم

ما را ترور کردند. ما به چه زبانی باید بگوییم، نمی‌خواهیم دعوا کنیم». پزشک‌ها با این حال تأکید کرد که ایران به ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس و مهمان مراسم تحلیف او در تهران واکنش نشان خواهد داد. رئیس دولت چهاردهم اظهار کرد: «به ما می‌گفتند که ما داریم گفت‌وگو می‌کنیم. شما دست نگه دارید، ما می‌خواهیم صلح کنیم. ما دست نگه داشتیم اما صلح نکردند. به ما قول دادند که یک هفته‌ای صلح می‌شود. اما آن هفته هرگز فرا نرسید و در عوض اسرائیل حملات خود را گسترش داد».

به هر حال این مسیر ادامه دارد و برخی از بهارستانی‌ها به جای اینکه از تریبون پارلمان دغدغه‌های مردم حوزه انتخابیه‌شان را بیان کنند، تسویه حساب سیاسی می‌کنند یا توییت می‌زنند آن هم در فضایی که خودشان با فیلتر کردن آن موافق هستند. یک‌سری دیگر هم از جریان وابسته پایداری و رفقای جلیلی‌ها که در مجلس نیستند از هر فرصتی برای حمله به پزشکیان و کابینه‌اش استفاده می‌کنند. هرچند چندان واکنش آنها دیگر جای تعجب ندارد. آن هم کسانی که سابقه پخش شسب‌نامه در روزهای اعتماد وزرای دولت چهاردهم و هجمه در روزهای قبل و بعد از آن به رئیس‌جمهور و کابینه‌اش را دارند.

به هر حال بهتر است این هججه‌ها را جزء لاینفک تدریج و جریان شکست خورده انتخابات اخیر بدانیم که حتی به رهنمودهای رهبری هم واقعی نمی‌نهند و تنها مسیر تخریب را می‌شناسند. اینان همان افرادی هستند که حتی چشم بر فسادهای دولت سیزدهم هم بستند زیرا منفعت‌شان در آن بود. حتی در انتخابات مجلس دوازدهم هم با تأکید بالایی رهبری مبنی بر مشارکت بالا، نه پایداری‌ها و اصولگرایان تندرو بلکه این اصلاح‌طلبان و میانه‌روها بودند که با کمترین امکانات سیاسی، بیشترین فعالیت را برای مشارکت حداکثری مردم کردند. درحالی که ردصلاحت‌های بی‌دری نشان تمایل جناح مقابل بر حداقل مشارکت داشت زیرا ثابت شده که هر چقدر مشارکت جامعه کمتر باشد، شانس پیروزی آنها بیشتر است. آن انتخابات نشان داد که اصولگرایان اختلافات بسیاری دارند. به طوری که امروزه هم هججه‌ها از تعداد اندکی از آنها شنیده می‌شود. اسفند ماه سال گذشته کاندیداهای انتخابات مجلس با حضور در فهرست‌های انتخاباتی مختلف در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند اما تعدد فهرست‌های انتخاباتی به‌ویژه در اردوگاه اصولگرایان باعث شد که علیه هم اعتراض یا حتی افشاگری کنند.



ادامه تیتربک

آینده حزب الله



به گونه‌ای که الجزیره (یکشنبه) گزارش داد، جنگنده‌های اسرائیل، ضاحیه جنوبی بیروت را دو بار بمباران کردند. همچنین حزب الله لبنان از شهادت نبیل قاووق، عضو شورای مرکزی و علی کرکی از فرماندهان ارشد این جنبش خبر داد. این اخبار در حالی مطرح شده که مقاومت لبنان هم در حال پاسخ دادن به اسرائیل در اراضی اشغالی شمالی است؛ به گونه‌ای که مقاومت لبنان اعلام کرد، در راستای حمایت از ملت فلسطین در نوار غزه و پشتیبانی از مقاومت و دفاع از لبنان و ملت آن (یکشنبه) تحرکات سربازان اسرائیل در شهرک «المناره» را با موشک هدف قرار دادند.

آنچه در این میان باید مورد نظر قرار بگیرد این است که دولت موقت لبنان به نخست‌وزیری نجیب میقاتی حالا با بحرانی مواجه است که از سوی اسرائیل خلق شده و آن هم خروجی حملات به مناطق مختلف این کشور است که موجب جابه‌جایی داخلی غیرنظامیان شده است. نجیب میقاتی، نخست‌وزیر موقت لبنان در اظهاراتی پس از نشست کمیته امور اضطراری اعلام کرد که اولویت بر توقف تجاوزات جاری اسرائیل علیه لبنان متمرکز است؛ چرا که برآوردها نشان می‌دهد که تعداد آوارگان این بمباران به یک میلیون نفر رسیده است. وی همچنین اظهار کرد جابه‌جایی کنونی بزرگ‌ترین جابه‌جایی در تاریخ لبنان است و ما ورود کمک‌های مالی را تسریع خواهیم کرد اما شرط آن این است که اهداکننده را بشناسیم. آنچه در خلال سخنان میقاتی مهم به چشم می‌خورد این است که او اذعان کرده «هیچ گزینه‌ای جز گزینه دیپلماسی نداریم و ارتش لبنان آماده اجرای قطعنامه شماره ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است».

قطعنامه ۱۷۰۱ چه می‌گوید؟

این قطعنامه در نشست ۵۵۱۱ شورای امنیت در ۱۱ آگوست ۲۰۰۶ میلادی و پس از جنگ ۳۳ روزه حزب الله و اسرائیل صادر شد که ۱۹ بند دارد. در بند ۲ این قطعنامه آمده است: «در کنار توقف کامل اقدامات نظامی از دولت لبنان و نیروهای یونیفیل می‌خواهد طبق آنچه در بند ۱۱ آمده، همزمان با هم نیروهایشان را در جنوب مستقر کنند و به موازات این از اسرائیل می‌خواهد با آغاز استقرار این نیروها تمام نیروهای خود را از جنوب لبنان خارج کند».

در بخش دوم بند ۸ هم آمد، از اسرائیل و لبنان خواسته شده «تدابیر امنیتی که مانع از سرگیری اقدامات جنگی شود و تضمین‌کننده ایجاد منطقه‌ای عاری از نیروهای نظامی و تجهیزات و سلاح‌ها بین خط آبی و رود لیطانی باشد، اتخاذ کنند و به غیر از نیروهای تابعه دولت لبنان و نیروهای بین‌المللی که طبق آنچه در بند ۱۱ آمده است در این منطقه مستقر خواهند شد».

بند ۱۱ این قطعنامه هم گفته شده: «مقرر می‌دارد به منظور تقویت تعداد، تجهیزات، اختیارات و دامنه عملیات، اجازه داده شود، تعداد نیروهای بین‌المللی در جنوب لبنان حداقل تا ۱۵ هزار نفر افزایش یابد و آنچه به موجب قطعنامه‌های ۴۲۵ و ۴۲۶ (۱۹۷۸) تفویض شده، اجرا شود» و در بخش دوم بند ۱۱ هم به این موضوع اشاره شده که «در جریان استقرار نیروهای مسلح لبنان در جنوب از آنها حمایت شود، از جمله در طول خط آبی و اسرائیل هم طبق آنچه در بند ۲ آمده است، نیروهای خود را از لبنان نیز خارج می‌کند».

در بند ۱۳ قطعنامه ۱۷۰۱ هم آمده است: «از دبیرکل

درخواست می‌شود هر چه سریع‌تر اقداماتی را اتخاذ کند که به نیروهای «یونیفیل» اجازه می‌دهد، وظایف خود را طبق آنچه در این قطعنامه آمده، انجام دهند و به درخواست‌های کشورهای عضو برای ارائه کمک‌های مناسب به نیروهای «یونیفیل» و درخواست‌هایی که از سوی این نیروها می‌شود، پاسخ مثبت دهد».

آیا اسرائیل به اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ تن می‌دهد؟

اینکه نجیب میقاتی حالا بر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل تأکید دارد، موضوع جدید به حساب نمی‌آید بلکه وضعیت فعلی لبنان و فشارهایی که به دولت بیروت از حیث داخلی وارد شده، موجب شده تا او در دسترس‌ترین گزینه را اجرای این قطعنامه بداند. اینکه آیا این قطعنامه اجرایی می‌شود یا خیر و اساساً اسرائیل بدان تن می‌دهد، موضوعی است که پیچیدگی‌های سیاسی و میدانی زیادی دارد. اخیراً گزارشی در خبرگزاری آسوشیئیتدپرس به قلم کریم چهیب منتشر شده و به این موضوع پرداخته است که آیا اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ می‌تواند باعث آرامسازی اوضاع و احوال در لبنان و مجاب کردن اسرائیل به توقف حملاتش شود یا خیر؟ در این گزارش اساساً به این موضوع اشاره کرده که ایالات متحده و فرانسه بارها در این خصوص وارد میدان شده‌اند ولی نتوانستند، خروجی مثبت از آن دریافت کنند و عملاً اوضاع و احوال با سال ۲۰۰۶ تفاوت دارد. در این گزارش با جوزف باهوت، مدیر موسسه سیاست عمومی در دانشگاه آمریکایی بیروت مصاحبه شده است و وی به این نکته اشاره کرده که یونیفیل سال‌هاست که اسرائیل را ترغیب کرده از برخی مناطق شمال مرز عقب‌نشینی کند اما فایده‌ای نداشت و آرام‌آرام نقش یونیفیل هم در این منطقه کمرنگ شد. از سوی دیگر او اعلام می‌کند که اسرائیل و نتانیاهو به دنبال آن است تا در تل‌آویو برای افکار عمومی یک خوراک سیاسی دست‌وپا کند و به همین دلیل به دنبال آن است تا بدون ارائه هرگونه امتیاز یا عملکرد مثبت همه چیز را به نفع خود تمام کند.

بر همین اساس، تلاش میقاتی اگرچه از حیث شکلی می‌تواند بحران را کنترل کند اما در منظر ماهوی، مولفه‌هایی در بطن ستون فقرات این بحران که اسرائیل و اهداف آن است، وجود دارد که خروجی‌اش نامعلوم است.

آینده حزب الله چه می‌شود؟

آنچه در این وضعیت و شرایط به عنوان یک سوال دیگر مطرح می‌شود این است که در این برهه زمانی و پس از ترور دبیرکل حزب الله لبنان، این جنبش قرار است به کدام سمت‌وسو پیش برود؟ در این خصوص رهبر انقلاب در پیام خود به مناسبت شهادت سیدحسین نصرالله به این موضوع اشاره کردند که «دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را و جبهه مقاومت پرچمداری برجسته را و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند دهه ساله او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت جهت بخشید با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه مقاومت بر بیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی به حواله و قوه الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است. سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه

دیدگاه: گزارش خارجی

خداحافظی با کی‌یف

پیروزی ترامپ در انتخابات چه تاثیری بر کمک‌های نظامی به اوکراین دارد؟

جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا اعلام کرد: «دونالد ترامپ» نامزد انتخاباتی جمهوریخواهان در صورتی که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ بار دیگر به کاخ سفید راه پیدا کند، کمک‌های ارسالی به اوکراین برای جنگ با روسیه را متوقف خواهد کرد. ترامپ در جریان دیدار مختصرش با زلنسکی در محل برج خود در نیویورک بار دیگر ادعا کرد، می‌تواند در صورت رسیدن دوباره به ریاست جمهوری سریعاً باعث انعقاد توافق به منظور پایان جنگ اوکراین شود. بولتون که در دوره ترامپ مشاور امنیت ملی بود، درباره نشست زلنسکی و ترامپ گفت: «از نظر من این نشست بنا به دلایل سیاسی برگزار شد. ترامپ به وضوح مطلع بود که زلنسکی در واشنگتن است، او قبل از آن به دیدار جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا و معاونش کامالا هریس رفته بود».

مشاور امنیت ملی سابق آمریکا استدلال کرد: «معتقدم ترامپ طرح برگزاری این نشست را ریخت با این هدف که نگرانی‌های برخی از جمهوریخواهان را تسکین دهد؛ جمهوریخواهانی که از ترامپ بدشان می‌آید و قصد رای دادن به او در انتخابات را ندارند اما از طرف دیگر نگران رادیکالیسم حزب دموکرات هستند و در ذهن خود دارند درباره تصمیمشان سبک سنگین می‌کنند».

بولتون ادامه داد: «آنها می‌خواستند این تصویر را از ترامپ ارائه دهند که او کاملاً اوکراین را کنار نخواهد گذاشت و آنقدرها هم بد نخواهد بود. اما من می‌خواهم این حباب را بترکانم چون معتقدم اگر ترامپ پیروز انتخابات شود، پشتیبانی‌های آمریکا از اوکراین را لغو خواهد کرد». در حالی که جنگ اوکراین به سومین سالگرد خود نزدیک می‌شود و هیچ نشانه‌ای از پایان آن وجود ندارد، زلنسکی تلاش دارد تا هم حمایت جمهوریخواهان و هم دموکرات‌ها را به اوکراین جلب کند تا در آینده جریان کمک‌های واشنگتن به کی‌یف با مشکل مواجه نشود. زلنسکی در حالی روز جمعه در بحبوحه اختلافات فزاینده با جمهوریخواهان آمریکا به دیدار ترامپ رفت که نگران است در صورت پیروزی ترامپ در نوامبر، تخصیص کمک‌های نظامی بیشتر آمریکا به اوکراین از بین برود. ترامپ پیش از برگزاری این دیدار در حالی که در کنار زلنسکی ایستاده بود، گفت: «اما روابط بسیار خوبی داریم و همان‌طور که می‌دانید من روابط بسیار خوبی نیز با رئیس جمهور بوتین دارم و فکر می‌کنم اگر برنده شوم خیلی سریع آن را (جنگ اوکراین) حل خواهیم کرد. من واقعاً فکر می‌کنم که به آن دست می‌یابیم اما می‌دانید، تانگو ۲ نفره است».

رئیس جمهور اوکراین نیز گفت: «من فکر می‌کنم ما دیدگاه مشترکی مبنی بر این داریم که جنگ در اوکراین باید متوقف شود، بوتین نمی‌تواند پیروز شود و اوکراین باید پیروز شود و من می‌خواهم با شما در مورد جزئیات طرح خود صحبت کنم». این دیدار که حدود یک ساعت به طول انجامید، می‌تواند آخرین فرصت زلنسکی برای جلوگیری از تنش فزاینده با ترامپ باشد که مکرراً از «ولادیمیر بوتین»، رئیس جمهور روسیه تمجید کرده همچنین گاهی گفته است برای اینکه کی‌یف را مجبور به مذاکره برای آتش‌بس (تحت هر شرایطی) با مسکو کند، کمک به اوکراین را قطع خواهد کرد. ترامپ در این اظهاراتش این سیگنال را فرستاده که بوتین خواستار متوقف کردن جنگ در اوکراین است. بولتون نیز در پاسخ به درخواست برای اظهارنظر در این مورد عنوان کرد، «کاملاً» با این نظر ترامپ موافق است.

بولتون ادعا کرد: «فکر می‌کنم بوتین می‌داند با وجود آنکه از ۲۰۱۴ تاکنون میزان اراضی تحت کنترل روسیه در اوکراین را دو برابر کرده و هزینه بالایی برای آن پرداخته، می‌خواهد جنگ را متوقف کند تا بتواند به بازیابی اقتصاد روسیه، متقاعد کردن اروپایی‌ها برای خریدن مجدد گاز طبیعی از روسیه و تجهیز و آموزش مجدد به ارتشش بپردازد».

منبع: سی.ان.ان



همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سیدعباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سیدحسین هم بر زمین نخواهد ماند». بر همین اساس باید گفت که راه حزب الله لبنان همانند گذشته ادامه خواهد داشت. ارزیابی رسانه‌ها و اندیشکده‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های هم بر همین اصول است. به عنوان مثال واشنگتن‌پست در گزارش خود نوشته: «بعید است که ترور نصرالله برای حزب الله لبنان ضربه‌ای سهمگین بوده باشد زیرا حزب الله در عمق جامعه مردم لبنان ریشه دوانده و با تاروپود آنان عجین شده است». این روزنامه همچنین یادآور شد که سیدعباس موسوی، دبیرکل سابق حزب الله لبنان نیز در حمله هوایی اسرائیل به شهادت رسید اما این جریان نه تنها از بین نرفت بلکه با روی کار آمدن نصرالله به عنوان دبیرکل جدید به قدرتمندترین نیروی غیردولتی در جهان بدل شد».

رویترز هم در تحلیل خود از آینده این جریان به نقل از رزماری کلایک، مدیر میز خاورمیانه در گروه اولویت‌های دفاعی نوشته است: «ترور حسن، دبیرکل حزب الله لبنان توسط اسرائیل اساساً روند این درگیری را تغییر نمی‌دهد و هرگز منجر به فروپاشی یک سازمان مانند حزب الله نمی‌شود و جایگزین‌هایی برای وی وجود دارد که گستردگی این جنبش را به تصویر می‌کشد».

چه کسی جانشین نصرالله می‌شود؟

و اما سوال آخر در فضای فعلی این است که چه کسی قرار است به عنوان دبیرکل جدید حزب الله لبنان معرفی شود؟ العالم در گزارشی اعلام کرده که شیخ محمد زبیک از برجسته‌ترین علما و مجتهدان شیعه لبنان و شیخ نعیم قاسم، قائم‌مقام، دبیرکل حزب الله به انضمام سیدهاشم صفی‌الدین، معاون اجرایی حزب الله و از چهره‌های قدیمی مقاومت، می‌توانند از گزینه‌های جایگزینی سیدحسین نصرالله باشند. برخی دیگر از رسانه‌های غربی مانند فرانس ۲۴ هم سیدهاشم صفی‌الدین را گزینه اصلی می‌دانند. به گزارش العالم، هاشم صفی‌الدین تاکنون بر سیستم آموزشی و امور مالی حزب الله لبنان از جمله سرمایه‌گذاری این گروه برای تأمین مالی فعالیت‌ها نظارت داشته است. او از سال ۲۰۱۷ در فهرست به اصطلاح سیاه آمریکا قرار دارد. بنا بر نوشته رسانه‌های اسرائیلی، هاشم صفی‌الدین که رئیس شورای اجرایی حزب الله بوده در حمله روز جمعه اسرائیل به پناهگاه حزب الله زنده مانده یا اساساً در آن محل حضور نداشته است.

هاشم صفی‌الدین در سال ۱۹۶۴ در جنوب لبنان در خانواده‌ای سرشناس در منطقه به دنیا آمد. او در دهه ۱۹۸۰ به همراه خوشاوند خود حسن نصرالله برای تحصیل علوم دینی راهی شهر قم شد. در سال ۱۹۸۳ با دختر محمدعلی الامین از اعضای شورای قانون‌گذاری شورای اسلامی شیعیان لبنان ازدواج کرد. در سال ۱۹۹۴ نصرالله، هاشم صفی‌الدین را به عنوان رئیس منطقه بیروت حزب الله منصوب کرد. او سپس در سال ۱۹۹۵ ریاست شورای جهاد که مسئول فعالیت‌های نظامی حزب الله بود را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۹۸ صفی‌الدین به عنوان مسئول شورای اجرایی ارتقا یافت.

با این تفاسیر باید گفت که حیات حزب الله لبنان همانند گذشته ادامه خواهد داشت و حالا تنها موضوعی که در این راستا مطرح می‌شود این است که باید دید آیا جامعه ملل در شرایط کنونی می‌تواند اسرائیل را از ادامه حملاتش به لبنان منصرف کند و آتش‌بس را محقق نمایند، یا اینکه باز هم باید شاهد قربانی شدن غیرنظامیان در این حملات باشیم.

نویسنده توده‌ای

فریدون تنکابنی از موسسان کانون نویسندگان ایران در گذشت

دریچه: تحلیل عادات

مزایای گردشگری

نقش گردشگری در توسعه



حسن محرابی پژوهشگر

گردشگری یک نوع فعالیت جمعی است که علاوه بر کسب درآمد اقتصادی، موجب پویایی فعالیت‌های اجتماعی نیز می‌شود؛ به همین جهت گردشگری برای موفقیت بسیاری از جوامع و اقتصادها در سراسر جهان حیاتی است و مزایای متعددی از صنعت گردشگری در مقاصد میزبان وجود دارد. گردشگری درآمد اقتصاد را افزایش می‌دهد، هزاران شغل ایجاد می‌کند، زیرساخت‌های یک کشور را توسعه می‌دهد و حس تبادل فرهنگی بین خارجی‌ها و شهروندان را ایجاد می‌کند. تعداد مشاغل ایجاد شده توسط گردشگری در بسیاری از مناطق مختلف قابل توجه است. این مشاغل نه تنها بخشی از صنعت گردشگری هستند، بلکه ممکن است شامل بخش کشاورزی، ارتباطات، سلامت و آموزش نیز باشند. بسیاری از گردشگران برای تجربه فرهنگ، سنت‌های مختلف و غذای مقصد به کشور میزبان سفر می‌کنند. این سفرها غالباً به مراکز مهم شهری نیست، بلکه به شهرهای کوچک و مناطقی است که دارای جذابیت‌های طبیعی و تاریخی هستند. به همین جهت، این موضوع برای رستوران‌ها، مراکز خرید و فروشگاه‌های محلی بسیار سودآور است. به عنوان مثال، جمعیت ملبورن در استرالیا حدود ۴ میلیون نفر است اما حدود ۲۲ هزار شهروند تنها در بخش گردشگری مشغول به کار هستند. بنابراین دولت‌هایی که درصد زیادی از درآمد خود را به گردشگری متکی هستند، سرمایه‌گذاری زیادی در زیرساخت‌های کشور می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند گردشگران بیشتری از کشورشان بازدید کنند و این بدان معناست که بهره‌گیری از امکانات این و پیشرفته برای کشورشان ضروری است. این ضرورت، منجر به ساخت جاده‌ها و بزرگراه‌های جدید، پارک‌های توسعه‌یافته، فضاهای عمومی بهبودیافته، فرودگاه‌های جدید و احتمالاً مدارس و بیمارستان‌های بهتر در مناطق محلی می‌شود. زیرساخت‌های این و نوآورانه امکان جریان روان کالاها و خدمات را در مناطق دور افتاده فراهم می‌کند. علاوه بر این، مردم محلی فرصتی برای رشد اقتصادی و آموزشی را تجربه می‌کنند. از دیگر سو، گردشگری یک تبادل فرهنگی بین گردشگران و شهروندان محلی ایجاد می‌کند. نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها و رویدادها معمولاً گردشگران بسیاری را جذب می‌کنند. مقامات سازمان‌دهنده معمولاً از هزینه‌های مثبت نام، فروش هدایا، فضاهای نمایشگاهی و فروش حق چاپ آگهی در رسانه‌های محلی سود می‌برند. علاوه بر این، گردشگران خارجی تنوع و غنی‌سازی فرهنگی را برای کشور میزبان به ارمغان می‌آورند و یک فرصت عالی برای خارجی‌ها در جهت یادگیری فرهنگ جدید است. این صنعت هم چنین فرصت‌های شغلی زیادی را برای شهروندان محلی ایجاد می‌کند. بدین معنا که این شرایط به کارآفرینان جوان اجازه می‌دهد تا محصولات و خدمات جدیدی را ایجاد کنند. وضعیتی که به تنهایی برای جمعیت محلی ساکنان یک منطقه دورافتاده امکان‌پذیر نیست. بنابراین ساکنان مناطق محلی از مزایای حاصل از گردشگری که ایجاد فوری مشاغل جدید است، بسیار بهره‌مند می‌شوند. البته در شرایط کنونی، گردشگری یک عنصر اساسی در توسعه اقتصاد جهانی است. گردشگری به یک ستون قوی برای توسعه پایدار برای اقتصادهای توسعه‌یافته تبدیل شده، زیرا محصولات مختلف فرهنگی، اجتماعی، فناوری، تجربی و طبیعی را برای اوقات فراغت و تجارت در همه نقاط کشورها و نه فقط در مراکز آن‌ها ارائه می‌دهد. بر این مبنای، گردشگری یک عامل حیاتی برای بسیاری از اقتصادها و منبع اصلی درآمد برای اکثر کشورهای جهان است. در حقیقت رشد قابل توجهی که در صنعت گردشگری از سال ۲۰۱۷ به ثبت رسیده، بیانگر نقش مهم این صنعت در آینده جهان است. در این رابطه، شورای جهانی سفر و گردشگری اعلام کرده سفر و گردشگری نقشی حیاتی در ایجاد شغل، از جمله تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ایفا می‌کند. بر این اساس تخمین زده شده است که از هر ۴ شغل ایجاد شده در سراسر جهان، یک شغل مربوط به گردشگری است، یعنی حدود ۳۳۴ میلیون شغل که میزان ۱۰.۶ درصد از کل مشاغل دنیا را به خود اختصاص داده است. بر همین مبنای، گردشگری در رشد و توسعه متوازن یک کشور نقش اساسی ایفا می‌کند. گردشگری با به ارمغان آوردن ارزش‌ها و مزایای اقتصادی متعدد، هم چنین به ایجاد ارزش برند (منحصراً به فرد) و ارائه تصویر و هویت خاص، در مناطق مختلف هر کشوری کمک می‌کند.

فریدون تنکابنی، نویسنده و طنزپرداز سرشناس و از موسسان کانون نویسندگان ایران، بامداد شنبه هفتم مهر در ۸۷ سالگی و پس از ۴۱ سال دوری از ایران، در یک آسایشگاه سالمندان شهر کلن آلمان درگذشت. او چند سال پایانی عمرش خود را در این آسایشگاه سالمندان زندگی می‌کرد.

نویسنده شهر شلوغ در شب‌های شعر گوته

فریدون تنکابنی، سال ۱۳۱۶ در خانواده‌ای فرهنگی در تهران به دنیا آمد. پدرش دبیر و مدیر دبیرستان بود و مادرش آموزگار. خود او نیز پس از پایان تحصیل، دبیر زبان و ادبیات فارسی شد. سال ۱۳۴۰ اولین داستان خود را به نام «مردی در قفس» منتشر کرد که لحنی رماتیکیک داشت. تنکابنی نویسنده شدن خود را مدیون عشقش به دخترخاله‌اش در سال‌های دبیرستان می‌دانست. او سپس با نشریات ادبی به همکاری پرداخت و نوشته‌هایش بیشتر به طنز گرایش پیدا کرد. تنکابنی با طنز سیاسی خود، به‌ویژه از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا پایان ۱۳۵۰ خوانندگان بی‌شمار داشت. از میان بیش از ۱۸ کتابی که منتشر کرده، کتاب‌های «یادداشت‌های شهر شلوغ»، «ستاره‌های شب تیره»، «اسیر خاک»، «جای، گپ و سیاست» و «اندوه سترون بودن» شهرت بیشتری دارند.

فریدون تنکابنی را اغلب با کتاب «یادداشت‌های شهر شلوغ» می‌شناسند. «من هم یک پیکان دارم، پس هستم» جمله‌ای بود که نویسنده را سال ۱۳۴۹ از شلوغی شهر به خلوت زندان کشانید. در بحبوحه رونق بازار خودرویی وطنی پیکان، دولت هویدا شعار «به امید آن که هر ایرانی یک پیکان داشته باشد» را سرلوحه خدمات دولتی به حساب می‌آورد و تعریض تنکابنی به این شعار بود. تعیین سه سال زندان برای تنکابنی که جرمی جز نوشتن نداشت، اعتراض همکاران او را در کانون نویسندگان ایران برانگیخت و این سبب شهرت بیشتر او شد. تنکابنی سال ۱۳۴۸ از موسسان «کانون نویسندگان ایران» بود و در برخی دوره‌ها در هیأت دبیران آن حضور داشت. او هم چنین از فعالان «۱۰ شب شعر انجمن گوته» بود که ۱۸ تا ۲۷ مهر ۱۳۵۶ کانون نویسندگان ایران با همکاری انجمن روابط فرهنگی ایران و آلمان، انستیتو گوته، به مدت ۱۰ شب، مراسم شعرخوانی و سخنرانی در باغ انجمن فرهنگی روابط ایران-آلمان برگزار کردند. در این ۱۰ شب که به «شب‌های شعر گوته» معروف شد، بیش از ۶۰ نویسنده و شاعر با گرایش‌های مختلف، ولی عمدتاً چپ‌علیه «فضای اختناق و سانسور حاکم» شعر خواندند و سخنرانی کردند. در شب‌های آغازین شب‌های شعر گوته، جمعیتی بالغ بر ۱۰ هزار نفر در این مراسم شرکت می‌کردند اما بارش بارانی چندروزه در تهران منجر به کاهش جمعیت در شب‌های پایانی به حدود ۳ هزار نفر شد. پروانه آبراهامیان در کتاب «تاریخ ایران مدرن» می‌نویسد: «به دنبال برگزاری ۱۰ شب شعر توسط کانون به‌تازگی احیا شده نویسندگان ایران و انستیتو گوته در مهر ۱۳۵۶، نویسندگان که همگی از مخالفان سرشناس بودند به انتقاد از رژیم پرداختند و نهایتاً در شب پایانی این

چندروزه در تهران منجر به کاهش جمعیت در شب‌های پایانی به حدود ۳ هزار نفر شد. پروانه آبراهامیان در کتاب «تاریخ ایران مدرن» می‌نویسد: «به دنبال برگزاری ۱۰ شب شعر توسط کانون به‌تازگی احیا شده نویسندگان ایران و انستیتو گوته در مهر ۱۳۵۶، نویسندگان که همگی از مخالفان سرشناس بودند به انتقاد از رژیم پرداختند و نهایتاً در شب پایانی این



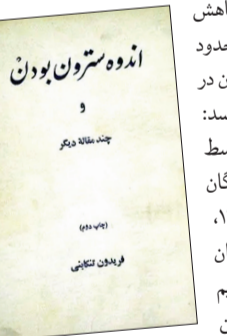
برنامه، شرکت‌کنندگان همگی به خیابان ریختند و با پلیس درگیر شدند. در این تظاهرات یک دانشجو کشته و ۷۰ نفر زخمی و بیش از ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. اعتراضات در تهران طی ماه‌های بعد، به‌ویژه در روز ۱۶ آذر ادامه یافت. افراد دستگیر شده در این اعتراضات به دادگاه‌های غیرنظامی سپرده شدند که یا آزاد شدند یا محکومیت‌های سبکی گرفتند. این اقدام عملاً در حکم پیام آشکاری برای دیگران از جمله طلاب حوزه علمیه قم بود.»

اخراج از کانون و تشکیل شورای نویسندگان

تنکابنی سال ۱۳۵۸ به همراه سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، محمدتقی برومند و محمود اعتمادزاده (به‌آزین) از کانون نویسندگان اخراج شد. باقر پرهام که در سال‌های ابتدای انقلاب عضو هیأت‌رئیس و سخنگوی کانون نویسندگان ایران بود، دربارهٔ اخراج اعضای توده‌ای کانون نویسندگان می‌نویسد: «دعوی ما با اعضای توده‌ای کانون نویسندگان ایران در سال ۵۸ شکل گرفت. در این سال، هیأت دبیران کانون عبارت بودند از من، احمد شاملو، محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و اسماعیل خونی. من، بنا به سنتی که به پیشنهاد به‌آزین در نخستین هیأت دبیران موقت در سال ۵۶ پذیرفته شده بود و بدان عمل می‌شد، در سال ۵۸ نیز سخنگوی کانون بودم. از اوائل تابستان ۵۸، علاوه بر موضوع حمله حزب‌اللهی‌ها و عوامل دولتی به مطبوعات، و اختلاف‌نظر ما و توده‌ای‌ها بر سر این موضوع، زمینه دیگری هم شکل گرفت که معلوم بود عامل تشدیدکننده دیگری برای این گونه اختلافات

خواهد شد. به پیشنهاد جمعی از اعضای کانون، صحبت برگزاری شب‌های شعری در دانشگاه تهران - یادآور شب‌های شعر کانون در انستیتوی گوته - مطرح شد. این پیشنهاد البته بیشتر از سوی چند عضو غیرتوده‌ای کانون - به‌ویژه مرحوم محمد مختاری و دوستانش - حمایت می‌شد و این جا بود که آقای اعتمادزاده شروع کرد به مخالفت با این پیشنهاد.» به گفته پرهام با وجود لغو شب‌های شعر کانون اما تبلیغات توده‌ای‌ها علیه هیأت دبیران کانون همچنان ادامه داشت و آن‌ها در مقالاتی که بر ضد دبیران کانون می‌نوشتند و اتهامات بسیار خطرناکی علیه‌شان عنوان می‌کردند. پرهام در ادامه می‌نویسد: «دیدم سکوت بیش از این جایز نیست و بهتر است ما نیز اقدامی قلمی علیه این جماعت را آغاز کنیم. برای اجرای این فکر، شخص من به مسئولیت خود تصمیم گرفتم مقالاتی با عنوان حزب توده و کانون نویسندگان ایران در کتاب جمعه بنویسم. این مقالات که براساس مدارک موجود در کانون در مورد چگونگی تأسیس کانون در دوره نخست فعالیت‌اش در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ در شماره‌های ۲۵ به بعد کتاب جمعه منتشر شد. نوشتن این مقالات، سبب شد که حملات مطبوعاتی توده‌ای‌ها علیه ما تا حدود زیادی فروکش کرد. حزب توده ادامه این جریان به نفع‌شان نیست. اما متأسفانه موضوع درگیری آقای به‌آزین و گروهش در کانون به همین جا ختم نشد: آن‌ها مسأله جدیدی را بیهانه قرار دادند برای فشار آوردن بر ما و کانون نویسندگان و منحرف کردن ما از مواضع یک کانون صفتی - فرهنگی برای روی آوردن به سیاست‌هایی صرفاً سیاسی. در روزهای تشکیل جلسه هیأت دبیران کانون، آقای به‌آزین در معیت آقایان سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، فریدون تنکابنی، و برومند - که چهار تن اخیر معمولاً یک دم عقب‌تر از به‌آزین حرکت می‌کردند - ناگهان وارد کانون می‌شدند و به‌آزین، خطاب به ما فریاد می‌کشید و می‌گفت: شما اینجا نشست‌اید؟ ما حاج و واج می‌رسیدیم: کجا باید بنشینیم آقای به‌آزین؟ و او در جواب انگشتش را به سمت سفارت آمریکا می‌گرفت و می‌گفت: آنجا، خلق آنجاست و شما اینجا نشست‌اید؟ پس از این فشارها دبیران کانون تصمیم می‌گیرند متن کوتاهی دربارهٔ تسخیر سفارت بنویسند که نه سیخ بسوزد، نه کباب. با این حال، توده‌ای‌ها هم چنان ناراضی بودند و پرهام می‌نویسد: «این بود که دیدم چاره‌ای جز اخراج آن‌ها از کانون نداریم. همین کار را کردیم و اعلام شد. به دنبال این واقعه بود که کل عناصر توده‌ای، همراه این پنج تن، به میل خود از کانون نویسندگان ایران جدا شدند و کانون دیگری موافق با سیاست‌های حزب توده تأسیس کردند» و به این ترتیب اخراج‌شدگان از کانون، «شورای نویسندگان و هنرمندان ایران» را بنیان گذاشتند. تنکابنی در «شورای نویسندگان و هنرمندان ایران»

فعال بود که از نهادهای وابسته به حزب توده ایران به‌شمار می‌رفت. سال ۱۳۶۲ و پس از دستگیری اعضا و هواداران حزب توده، تنکابنی متواری شد و در اواخر همان سال از کشور گریخت. تنکابنی از راهی ناهموار و دشوار خود را به آلمان غربی رساند و ۴۱ سال در شهر کلن زندگی کرد و سرانجام و روز پیش در خانه سالمندان چشم از جهان فرو بست.



نوبت اول

شناسه آگهی ۱۷۹۴۷۵۰

آگهی مزایده عمومی مرحله اول



سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای جنوب سیستان و بلوچستان (ایران شهر)

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای جنوب استان سیستان و بلوچستان (ایران شهر) در نظر دارد نسبت به **اجاره یک قطعه زمین به متراژ ۳۰ متر مربع جهت فعالیت غرفه حمل و نقلی جدید التاسیس واقع در پایانه بار چابهار** را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان می‌توانند اسناد مزایده را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت دریافت نمایند. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

مهلت دریافت اسناد مزایده از سایت: از ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۱۲ الی ۶ بعد از ظهر مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

تاریخ بازگشایی پاکت مزایده (تاریخ برگزاری مزایده): ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

آخرین مهلت بارگذاری اسناد در سایت جهت شرکت در مزایده: ساعت ۱۲ ظهر مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۲۶

ضمناً اصل ضمانتنامه شرکت در مزایده به آدرس: استان سیستان و بلوچستان - شهر ایران شهر - خیابان امام خمینی (ره) - اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای جنوب استان سیستان و بلوچستان (ایران شهر) - دبیرخانه اداره کل حداکثر تا مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۶ ساعت ۱۲ ظهر تحویل گردد.

کدپستی: ۹۹۱۶۹-۱۳۱۶۳-۳ تلفن: ۰۵۴-۳۷۲۲۰۸۵۱-۳

شرکت‌هایی می‌توانند در این مزایده شرکت کنند که مجوز های لازم را از طریق مراجع ذیصلاح (اداره کار و امور اجتماعی-نیروی انتظامی و ...) داشته باشند.

محل برگزاری جلسه مزایده: دفتر مدیریت اداره کل

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

م الف ۹۱۱

روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای جنوب استان سیستان و بلوچستان (ایران شهر)



گزارش سینمای ایران

ببعی پرفروش

ببعی قهرمان پرفروشترین فیلم هفته بود و به جای تکراس ۳ نشست

فروش سینمای ایران در هفته اول مهر، در حالی به رقم ۹۶۰ میلیارد تومان رسید که «ببعی قهرمان» در هفته اول صدرنشین شد و پیش‌فروش بلیت‌های «زودیز» رامبد جوان اقبال قابل توجهی نداشت. بر مبنای آمار سمسفا تا ساعت ۲۰:۱۵ با درآمد یکشنبه ۸ مهر؛ ۱۷ میلیون و ۷۰ هزار و ۴۷۱ نفر در ۴۵۳ هزار و ۳۰۲ سانس ۴۱ فیلم سینمای ایران را در سالن‌های سینمایی نمایش می‌دهند، به تماشای آثار نشست‌ه‌اند و فروشی نزدیک به ۹۶۲ میلیارد و ۴۲۰ میلیون و ۶۲۹ هزار تومان را برای سینمای ایران به ارمغان آورده‌اند. بدین ترتیب فروش سینمای ایران ۹۶۲ میلیاردی شد.

در هفت روز گذشته فیلم‌های سینمای ایران فرصت نمایش در ۱۹ هزار و ۶۴۳ سانس را پیدا کرده‌اند و توسط ۵۳۱ هزار و ۶۹۹ نفر تماشا شده‌اند؛ به این ترتیب در این هفته، میزان فروش سینمای ایران عددی معادل با ۲۹ میلیارد و ۹۵۵ میلیون و ۷۲ هزار تومان بوده است که نسبت به هفته قبل کاهش ۱۰ میلیاردی فروش را تجربه کرده است.

انیمیشن «ببعی قهرمان» به کارگردانی حسین صفارزادگان و میثم حسینی که اکران خود را از ۴ مهر آغاز کرده است در هفته اول اکران با فروش بیش از ۵ میلیارد و ۷۰۹ میلیون تومان در صدر جدول فروش قرار گرفته است، این انیمیشن تنها سه روز بعد از اکران، رقبایی چون «تکراس ۳»، «مفتبر» و «پول و پارتی» را پشت سر گذاشته و عنوان پرفروش‌ترین فیلم هفته گذشته را کسب کرده است. «تکراس ۳» با در اختیار داشتن ۳۵۵ سانس سینما، توسط بیش از ۹۴ هزار نفر تماشا شده و فروش ۵ میلیارد و ۲۸۳ میلیون تومان را تجربه کرده است، «تکراس ۳» این بار صدر جدول را به «ببعی قهرمان» واگذار کرده است و باید دید این فیلم دوباره به صدر جدول بازمی‌گردد. «تکراس ۳» پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۴۰۳ تا امروز است که اکران خود را از ۸ خرداد به تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان آغاز کرد و با در اختیار داشتن ۵۷۱ سانس سینما توسط ۵۰۸ هزار و ۷۰۵ نفر تماشا شده و به فروشی بیشتر از ۲۹۱ میلیارد تومان رسیده است.

فیلم سینمایی «مفتبر» به کارگردانی عادل تبری که اکران خود را از ۱۵ شهریور آغاز کرده است؛ این هفته با کاهش اندک فروش همچنان در جایگاه سوم جدول فروش قرار گرفته است. ۳ میلیارد و ۷۹۴ میلیون تومان عددی است که از فروش این فیلم سینمایی اعلام شده است. «پول و پارتی» سعید سهیلی که از ۳ مرداد بر پرده سینماها نقش بسته مدت‌هاست صدر جدول را واگذار کرده است و با ۶۵ هزار و ۷۰۵ مخاطب و با یک روند نزولی در جایگاه چهارم قرار دارد. این فیلم در هفته گذشته به فروش حدود ۳ میلیارد و ۵۹۲ میلیون تومانی دست یافته است. فیلم سینمایی «قیف» به کارگردانی محسن امیریوسفی که اکران خود را از ۱۵ شهریور آغاز کرده است این هفته با فروش بیش از ۳ میلیارد و ۴۰۲ میلیون تومان با کاهش ۲ میلیاردی رقم فروش در جایگاه پنجم جدول فروش قرار گرفته است.



تعطیلی سینما و تئاتر

در پی شهادت دیرکل حزب‌الله لبنان و اعلام عزای عمومی، نمایش‌های سراسر کشور به مدت پنج شب روی صحنه نخواهند رفت. اکران فیلم‌های سینمایی هم به مدت پنج شب در سینماهای سراسر کشور لغو خواهد شد. اجرای مجدد نمایش‌ها و اکران فیلم‌های در سینماها از جمعه، ۱۳ مهر ۱۴۰۳ از سرگرفته خواهد شد. هم‌اکنون سایت‌های فروش، بلیت‌های روز جمعه به بعد را در دسترس قرار دادند.



رودرویی دو قهرمان اکشن

جیسون موموآ و دیو باتیستا، دو قهرمان اکشن در فیلم تازه‌شان «گروه مخرب» به کارگردانی آنجل مانول سوتو قرار است رودرویی یکدیگر قرار بگیرند. این کمدی اکشن پرمزوراز با نام «گروه مخرب» وارد مرحله تولید می‌شود. جاناتان تراپر فیلمنامه گروه مخرب را قبل از شروع اعصاب اتحادیه فیلمنامه‌ویسان آمریکا در سال قبل نوشته بود که باعث شد تا این فیلمنامه برای مدتی در قفسه بایگانی خاک بخورد!



مریل استریپ و بازی در اصلاحات

مریل استریپ به زودی در نقش تلویزیونی بعدی خود دیده خواهد شد، زیرا به سریال اقتباسی از رمان «اصلاحات» جاناتان فرانزن پیوسته است. فرانزن در حال نوشتن فیلمنامه اقتباسی از رمان خودش است. «اصلاحات» که سال ۲۰۰۱ منتشر شد، داستان یک زوج مسن را روایت می‌کند که سعی می‌کنند با سه فرزند بزرگسال خود یک جشن کریسمس را با وجود سلامتی نامناسب پدر برگزار کنند.

هزینه بالا، تماشاگر پایین

چرا منتقدان و تماشاگران از فیلم قلب رقه استقبال نکردند؟



تهیه‌کننده «قلب رقه» در اکران این فیلم که به مناسبت شهادت سیدحسین نصرالله انجام شد، اعلام کرد: «ما در کنار کمک به برگزاری اکران‌های خاص، بخشی از درآمد «قلب رقه» در اکران‌های مردمی عمار را به جبهه مقاومت اختصاص می‌دهیم.»

تهیه‌کننده این فیلم که از ۲۴ مرداد روی پرده رفته، در حالی از اختصاص بخشی از درآمد فروش فیلم می‌گوید که در طول یک ماه‌ونیم که از اکران آن می‌گذرد، فروش آن تنها به ۹ میلیارد رسیده است. این یعنی که فروش این اثر هنوز به اندازه‌ای نرسیده که پول تولید فیلم بازگردد و تازه تهیه‌کننده می‌خواهد بخشی از آن را هم صرف جبهه مقاومت کند. با شروع اکران فیلم‌های تازه در سینماها، بعید به نظر می‌رسد، فروش «قلب رقه» به ۱۵ میلیارد هم در سینماها برسد. به خصوص اینکه تلویزیون تا یکی دو هفته پیش اقدام به پخش تیزرهای پرتعداد این فیلم از شبکه‌های مختلف می‌کرد و تبلیغات محیطی آن هم در سراسر شهر به چشم می‌خورد اما با وجود اوج تبلیغات تلویزیون و محیطی، فیلم در گیشه سینماها نفروخت و تماشاگر استقبال خوبی هم با وجود همه تبلیغات از آن نکرد. حالا که نه تیزری پخش می‌شود و مدت‌زمان تبلیغات شهری «قلب رقه» به پایان رسیده، با این وضعیت بعید است که فروش فیلم حتی از ۱۰ میلیارد هم فراتر رود، بنابراین باید از تهیه‌کننده پرسید، دقیقاً چه میزان از فروش فیلمش را می‌خواهد صرف جبهه مقاومت کند؟ «قلب رقه» سال گذشته در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و نه منتقدان از آن استقبال کردند و نه تماشاگران جشنواره اشتیاقی برای تماشای آن نشان دادند. تقدای منفی که درباره آن نوشته شد هم بیش از تقدای مثبت بود. فیلمی که با حمایت نهادهای مختلف ساخته و به اکران رسیده اما کارگردانش این اثر را سفارشی نمی‌داند و معتقد است، فیلم اکشن خوش ساختی جلو دوربین برده است. این در حالی است که بیشترین تقدای در جشنواره و همزمان به اکران به فیلمنامه و کارگردانی این اثر بود و خیرالله تقیانی‌پور نشان داده که هم در سریال‌سازی و هم در ساخت فیلم سینمایی اقتدر همه کارها را سهل و ساده فرض می‌کند که با وجود همه امکانات و هزینه‌هایی که صرف حمایت از آثار او می‌شود، نتنها اثری متناسب با این امکانات نمی‌سازد، بلکه باعث هدر رفتن حمایت و هزینه‌های صرف شده هم می‌شود. سریال «تسور» هم که با کارگردانی او و تهیه‌کنندگی محبتی آمینی

موفق‌ترین. بعید است، نهادهایی که از او و تهیه‌کنندگانش برای ساخت آثار سفارشی حمایت می‌کنند، چنین خواسته‌ای از او داشته باشند که دشمن ضعیف و بی‌جربزه‌ای را به تصویر بکشند. این تصور و برداشت خود فیلمساز است که او را به اینجا می‌رساند و به جای اینکه به سببیت و وحشی‌گری نیروهای داعش بپردازد، داستانی عاشقانه را در میان داعشی‌های به تصویر می‌کشد که زن داستان به راحتی بر نیروهای داعش هم سوار است و آنها از او فرمان می‌برند.

واقعیت این است که هزینه‌هایی که صرف چنین فیلم و سریال‌هایی می‌شود به جای اینکه به نتیجه درست منتهی شود، تبدیل به یکسری فیلم‌ها و سریال‌های آرشیبی شده که نه دزدی از سینمای ایران دوا می‌کند، نه تماشاگر از تماشای آن راضی خواهد بود و نه نهاد حمایت‌کننده به هدف خود خواهد رسید. تا زمانی که مشاوران زبده و کاربلد در کنار کارگردانی مانند خیرالله تقیانی‌پور و امثال او ققرار نگیرند که از مرحله فیلمنامه او را هدایت نکنند و در هنگام فیلمبرداری همراه او نباشند، شاهد همین فیلم‌های بی‌خاصیت و بی‌اثر خواهیم بود که حتی قادر نیستند تصویر درستی از دشمن خارجی و حتی داعشی‌ها هم به جا بگذارند.

برای تلویزیون ساخته شد، دقیقاً همین مشکل را داشت و تماشاگر با سریالی پیش‌یافتاده و مغشوش روبه‌رو بود که از نیمه آن بی‌خیال تماشایش می‌شد. چراکه سریال اقتدر فاقد داستان منسجم و کشش داستانی بود که تماشاگر را از پیگیری داستان منصرف می‌کرد.

مشکل دیگر تقیانی‌پور در ساخت فیلم‌های و سریال‌های سفارشی همان مشکلی است که برخی از فیلمسازان دهه ۶۰ و اکثر سفارشی‌سازان آن دهه داشتند. آنها تصور می‌کردند، باید بعث‌ها را سر بازان تن‌پرور و کم‌هوش نشان دهند که به سرعت می‌توان آنها را زمین‌گیر کرد و با حذف آنها به هدف خود رسید. حالا تقیانی‌پور چه در سریال‌هایش و چه فیلمش جاسوسان، دشمنان و داعشی‌ها را آدم‌های ساده‌لوح و بی‌هوش و بی‌ذکاوت نشان می‌دهد که به راحتی می‌توان بر آنها غلبه کرد. داعشی‌ها در «قلب رقه» عده‌ای جنگجوی عامی و ساده هستند که حتی در برابر شخصیت زن قصه کم می‌آورند. خب این تصویر چقدر با واقعیت داعش نزدیک است؟ مگر نه این است که اگر می‌خواهیم رشادتهای نیروهای خودی را به درستی به تصویر بکشیم، باید دشمن را قوی نشان دهیم؟ پس چرا تقیانی‌پور تصور می‌کند، هر چقدر دشمن ضعیفتر باشد، سر بازان ما

شناسه آگهی ۱۷۹۶۱۸۲

تذکره نگرهای منضم هرگز

اصلاحیه مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی

به اطلاع کلیه مناقصه‌گران می‌رساند مناقصه عمومی با ارزیابی کیفی با موضوع «توسعه شبکه برق ۲۰ کیلو ولت زمینی (حدود ۲۱۰۰ متر طول) ناحیه صنعتی بندرلنگه به مدت ۴ ماه شمسی» به شماره فراخوان ۲۰۲۰۴۱۴۸۰۰۰۰۱۹ به شرح ذیل تغییر و اصلاح می‌گردد.

۱- مبلغ برآورد اولیه از مبلغ ۱۲۸۶۲۱۰۱۲۸۸۷ ریال به مبلغ ۱۶۰۵۳۷۹۶۷۳۳۰ ریال تغییر یافت.

۲- مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار پیمانکاری از ۶،۴۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به مبلغ ۸۰۳۰۰۰۰،۰۰۰ ریال تغییر یافت.

۳- دعوتنامه و آگهی طبق شرایط اعلام شده نیز تغییر یافت.

امور پیمانهای شرکت
شهر گهای صنعتی هرمزگان

۴۳۹

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی
شرکت گاز استان گیلان - شماره ۵۸ / م / ۱۴۰۳

نویت دوم
شناسه آگهی ۱۷۹۶۳۸۴

شرکت گاز استان گیلان

- دستگاه مناقصه‌گزار:
- نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:
- موضوع مناقصه:
- مبلغ برآورد و مدت پیمان:
- نوع و مبلغ تضمین:
- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی:
- آخرین مهلت بارگذاری پاکات پیشنهادی توسط مناقصه‌گران:
- زمان پس گرفتن پیشنهاد در سامانه ستاد (انصراف از مناقصه)
- زمان بازگشایی پاکات مناقصه (الف و ب و ج):
- مکان دریافت و تحویل اسناد پیمانکاران:
- شماره تماس (تلفکس):

در این مناقصه :
♦ دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصت صنعت نفت اجرا می‌شود
♦ دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته «ابنیه «الزامی است»
♦ تذکر مهم: قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل یا لحاظ کیفیت ارائه گردد.

این آگهی در سایت شرکت گاز استان گیلان به آدرس http://lets.mporq.ir قابل رویت می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

روابط عمومی شرکت گاز استان گیلان

۴۳۳



توسعه

تحلیل تحولات اقتصادی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

دلار در مسیر کاهش قیمت

آرامش به بازار بازگشت

مختاب شهریاری

خبرنگار سازندگی

بازارها می‌خواستند آرام بگیرند که دوباره سایه ریسک‌های سیاسی سروکله‌شان پیدا شد.

نرخ دلار آزاد در معاملات روز گذشته به کانال ۶۰ هزار تومانی بازگشت. ناظران معتقدند از واکنش‌پذیری بازار نسبت به اخبار منفی کاسته شده است. آنان این اتفاق را ناشی از رفتار عقلانی نظام حکمرانی در برخورد با حوادث لبنان و بی‌توجهی بازار به ریسک‌های منطقه‌ای می‌دانند. البته برخی معتقدند در هفته‌های آینده هر احتمالی وجود دارد و شاید تحركات اسرائیل به‌گونه‌ای باشد که احتمال برخورد جدی‌تر شود. این افراد معتقدند در صورت گسترش درگیری‌ها، امکان بازگشت روند افزایشی به معاملات ارزی وجود دارد.

به هر حال معامله‌گران بازار ارز در معاملات روز گذشته شاهد افت ارزش شاخص‌های بازار غیررسمی بودند.

این درحالی است که در روزهای اخیر به واسطه تشدید تنش‌ها میان لبنان و رژیم صهیونیستی روند افزایشی جدیدی در بازار آغاز شده بود. برخی از تحلیلگران از جمله تحلیلگر روزنامه دنیای اقتصاد معتقدند، ریسک‌هایی که هم‌اکنون بازار با آن‌ها مواجه است در گذشته می‌توانست تاثیرات بیشتری روی نرخ‌ها داشته باشد. اما دلیل کاهش

واکنش‌پذیری بازار در چیست؟ در ماه‌ها و حتی سالیان اخیر همواره ریسک گسترش درگیری‌های منطقه‌ای وجود داشته است. درگیری جبهه‌ها مختلف مقاومت اسلامی با رژیم صهیونیستی و حمایت رسمی ایران از نیروهای اسلامگرا موضوع جدید برای اقتصاد کشور نیست. اما زمانی این اخبار و سیگنال‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تغییر در شاخص‌های اقتصادی کشور شود که مسائلی مانند میزان تحریم‌ها و فروش نفت را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. یعنی تا زمانی که اخبار درگیری‌ها و حمایت ایران از نیروهای مقاومت موجب صدور قطعه‌نامه و یا تحریم جدید نشود، هر شکل

روند افزایشی که در بازار ایجاد شود، قابل جبران است. این شرایط در سال جاری بارها و بارها تکرار شد. اخبار هدف قرار گرفتن ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و در مقابل پاسخ موشکی نیروی نظامی کشور به این اقدام، قیمت دلار را تا کانال ۶۷ هزار تومان افزایش داد. اما درست چند هفته پس از این اتفاقات قیمت اسکانس آمریکایی در کانال‌های ۵۷ و ۵۸ هزار تومانی معامله می‌شد. چراکه در این بازه زمانی نه تحریم مهم جدیدی به اقتصاد کشور اضافه شد و نه تغییری در حجم صادرات نفت رخ داد. شاید در صورتی که اخبار روزهای اخیر در سال‌های گذشته منتشر می‌شد، بازار ارز تهران واکنش بسیار جدی‌تری به آن می‌داد. اما تحلیلگران معتقدند که رفتار حاکمیت در ماه‌ها گذشته نشان داده که ایران قصد درگیری مستقیم ندارد و به همین دلیل نیز اخبار لبنان تاثیر اندکی بر بازار داشته است. البته پیش‌بینی می‌شود در صورتی که واکنش ایران نسبت به اخبار روزهای اخیر زمینه‌ساز ایجاد درگیری‌های جدی‌تر شود، نرخ ارز نیز مجدداً به روند افزایشی بازگردد.

دیروز یک‌شنبه ۸ مهرماه روند نرخ شاخص‌های ارزی و طلائی کاهش یافت. قیمت دلار آزاد به پشتوانه اخبار سیاسی در بازار روز شنبه تا نیمه پله دوم کانال ۶۱ هزار تومانی صعود کرده بود. بخش ۲۰۰ تومانی این رشد قیمت در همان ابتدای بازار جبران شد و نرخ به مرز کانال‌های ۶۰ و ۶۱ هزار تومانی بازگشت. در ادامه بازار دیروز شب نمودار کاهشی تندرتر شد و دلار در بازه ۶۰ هزار و ۷۰۰ تا ۶۰ هزار و ۹۰۰ تومان معامله شد. در نهایت نیز هر برگ از این اسکانس آمریکایی با ۵۵۰ تومان کاهش نسبت به نرخ روز شنبه در رقم ۶۰ هزار و ۶۵۰ تومان به فعالیت روزانه خود پایان بخشید. قیمت یورو آزاد نیز در معاملات دیروز افت ارزشی ۶۰۰ تومانی را تجربه کرد و در رقم ۶۷ هزار و ۸۵۰ تومان معامله شد. همچنین پوند با ۴۰۰ تومان کاهش به رقم ۸۱ هزار و ۶۰۰ تومان رسید. افت قیمت‌ها در بازار فلز زرد شدیدتر بود. هر قطعه سسکه طلا طرح جدید در بازار عصر دیروز حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان ارزان‌تر از روز پیشین در رقم ۴۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فروش رفت. نیم و ربع سکه طلا نیز به‌ترتیب با ۴۰۰ و ۲۰۰ هزار تومان کاهش در ارقام ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و ۱۷ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان معامله شدند.

همه چیز از اراده قوی نظام حکمرانی بر پریز از تنش حکایت دارد. معامله‌گران بازارها بسیار باهوش‌اند و این را به درستی متوجه شده‌اند. اگر نظر آنها طور دیگری بود باید دیروز قیمت دلار به رکوردهای جدید دست پیدا می‌کرد.

۲/۱۴

میلیون واحد

۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶۶

بورس تهران با تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و لبنان مجدداً در مسیر نزولی قرار گرفته است. در معاملات دیروز، شاخص کل ۴۱/۰ از ارتفاع خود را از دست داد و به سطح ۲ میلیون و ۱۳۷ هزار واحدی رسید. شاخص هم‌وزن نیز افت ۲۵/۰ درصدی را به ثبت رساند. تفاوت معاملات روز یک‌شنبه با روز شنبه در کاهش فشار فروش و جمع‌آوری صفوف فروش در برخی از نمادهای شاخص‌ساز بود.

پاسخ به محقق

آیا وضعیت موجود میراث چپ‌گرایی است؟

احمد فعال

نویسنده

روزنامه سازندگی، ارگان حزب کارگزاران سازندگی در مورخه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۳ در یادداشتی با عنوان رخنه چپ در انقلاب از قول آیت‌الله محقق‌داماد می‌نویسد: «ممکن است کسانی در جلسه حاضر باشند که با من و توری‌های من مخالف باشند اما حاضرم گفت‌وگو کنم. تجربه ۴۵ساله نشان داد تفکرات چپ، اقتصاد ایران را ویران کرد و از مغول بیشتر ضربه زد». در ادامه نویسنده یادداشت به تعدادی از شخصیت‌هایی که موجب رخنه چپ‌گرایی در انقلاب شدند اشاره می‌کند. سپس لیستی از روشنفکران و روحانیون مثل شریعی، طالقانی، مطهری، بهشتی، بنی‌صدر را فهرست می‌کند که همه اینها تحت تاثیر چپ‌گرایی و برنامه‌های مثل: «لغی مالکیت خصوصی، تأیید قیمت‌گذاری و سرکوب قیمت، تمرکزگرایی و تشکیل دولت بزرگ و مداخله‌گر بود که هر کدام مصداق طرفداری از سوسیالیسم و ضدیت با اقتصاد آزاد و بازار است»، بودند. در ادامه به کتاب اقتصاد توحیدی بنی‌صدر اشاره می‌کند که «این کتب مروج اقتصاد دولتی بوده است». در این نوشتار کوشش دارم نشان دهم؛ از صدر تا ذیل یادداشت نویسنده حتی قول آیت‌الله محقق‌داماد، یا قلب واقعیت است، یا ناآگاهی از جریان چپ‌گرایی و ناآگاهی از رویدادهای دوران انقلاب.

اینکه نویسنده می‌فرماید، این کتاب مروج اقتصاد دولتی است قلب واقعیت است. ایشان را ارجاع می‌دهم به دو مناظره بنی‌صدر و بابک زهرایی که از رهبران اتحادیه کمونیست‌ها بود. بنی‌صدر در آن دو مناظره به‌خصوص مناظره دوم، انتقاد شدیدی به بابک زهرایی کرد که ایشان مدام از مصادره کردن و دولتی کردن اقتصاد و ملی کردن منابع یاد می‌کرد و با حمله شدید به این طرز تفکر به کلکسیون ماشین‌های برنژف اشاره کرد و گفت، اول بروید دنبال ملی کردن دولت. بنی‌صدر در کتاب اقتصاد توحیدی در ۱۳جا از کلمه مصادره استفاده کرده و در تمام موارد معنایی معکوس آنچه که بعد از انقلاب رایج بود به کار بست. به عبارتی، در تمام این ۱۳ مورد به مذمت مصادره کردن پرداخت.

۲ اما در باره ادعای آیت‌الله محقق‌داماد:

(الف) اگر مراد ایشان از جریان چپ، تفکرات مرحومان طالقانی، بنی‌صدر، دکتر سامی، مهندس سبحانی، داریوش فروهر و معنود افرادی است که در شوروی انقلاب و در دولت موقت بودند، پرسیدنی است که نسبت این طرز فکرها با آنچه که از دوران دولت میرحسین موسوی و بعد دولت هاشمی و تا امروز ادامه پیدا کرد چیست؟ حداکثر آن طرز فکرها را می‌توانستیم در ذیل سوسیال دموکراسی تفسیر کرد. پرسیدنی است، عیب سوسیال دموکراسی چیست؟ نسبت سوسیال دموکراسی با دولت‌های مهندس میرحسین تا امروز چیست؟

ب) چه کسی گفته دولت میرحسین موسوی جریان چپ‌گرایی بود؟ مگر تقسیم راست و چپي که در دهه ۱۳۴۰ در تنها وضع موجود آن زمان مصطلح بود، ما باید آن را ساند تقسیم‌بندی چپ و راست بنامیم؟ جریان چپ، چه مذهبی و چه غیرمذهبی‌اش از سال ۱۳۶۰ به بعد «کلهم جمیعاً صلوات» از وضع موجود و انتظارات سیاسی موجود حذف شدند. بله تنها جریان چپ مذهبی دکتر حبیب‌الله پیمان و گروه او به نام «امت» باقی ماند، که از اول این جریان علیه رئیس‌جمهور، علیه بازارگان، رئیس دولت موقت و نهضت آزادی، تحت عنوان لیبرال‌های غرب‌زده و جاده صاف کن امپریالیسم و دفاع از خط امام ووو موضع‌گیری کردند. در حقیقت موضع‌گیری جریان «امت» خیلی با نیروهای وضع موجود در سال‌های ۶۰ فرق نداشت، هر چند به ایشان هم وقعی نمی‌نهادند و او خیلی زود به اشتباه خود پی برد.

ج) واقع این است که دولت میرحسین موسوی جدا از ساختاری نبود

۳

هزار میلیارد تومان

ارزش مبادلات

در جریان معاملات روز گذشته بورس تهران ۸۴۷ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد و ارزش معاملات نیز رقم ۲ هزار و ۹۰۴ میلیارد تومان را ثبت کرد. ریسک ژئوپلیتیک، مهم‌ترین بازیگر این روزهای نرخ ارز در بازار آزاد محسوب می‌شود و مسیر آتی بازار کماکان به دست این عامل ترسیم می‌شود. دلار نیامی نیز با رشد همراه شد و به سطح ۴۶ هزار و ۶۴۰ تومان رسید.

۱۷۰۰

میلیارد تومان

مبادله صندوق‌های طلا

با عقب‌نشینی دلار در بازار آزاد، صندوق‌های طلا بخشی از رشد هیجانی روز شنبه را از دست دادند. روز گذشته، همه صندوق‌های طلا در محدوده سرخ‌تابولی معاملات قرار گرفتند. عطش خرید طلا در روز شنبه سبب شده بود که مجموع ارزش معاملات صندوق‌های طلا در روز شنبه به حوالی هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان برسد و با رکوردشکنی همراه شود. از بازارهای جهانی هم خبر می‌رسد که قیمت اونس با کاهش مواجه شده است.

شدن نسبت به کشورهای غرب، فاقد هرگونه سیاستی هستند. خوب این نه‌نتها ربطی به استقلال ندارد، بلکه دقیقاً ضداستقلال است، عین وابستگی است. نه‌نتها دولت، بلکه وضع اشخاص هم همین‌طور است. هر فردی که در زندگی از کشش خالی شُدد و تنها به واکنش تبدیل شد، هیچ استقلالی از خود ندارد.

ب) استقلال با خودکفایی فرق دارد. تمام آنهایی که در اوایل انقلاب، چه در دولت و چه در شورای انقلاب اقتصاد می‌دانستند، قطعاً مفهوم مزیت نسبی را هم می‌فهمیدند. اگر اصطلاح خودکفایی اول انقلاب باب شد، در واقع نوعی واکنش نسبت به وضعیت اقتصادی نظام پیشین بود که از نرخ و سوزن تا صنایع بزرگ، همه‌ومه چیز از خارج وارد می‌شدند. به عبارتی، مصطلح شدن خودکفایی اول انقلاب نوعی مسامحه ادبیات در سیاست بود و الا وقتی بداینم خودکفایی نوعی آشوب بر ضدمزیت نسبی است، هیچ دلیلی وجود نداشت که اگر اوضاع کشور و انقلاب از سال ۱۳۶۰ به بعد کاملاً دگرگون نمی‌شد، به سمت خودکفایی پیش می‌رفت. خودکفایی در مزیت‌های کشور امر منطقی است، اما در آنچه که مزیت تولید آن در کشور وجود ندارد، خودکفایی سم مهلک اقتصاد و سم مهلک استقلال اقتصادی است. اگرچه در مزیت‌های نسبی هم با پیچیدگی اشکال تولید، پاره‌ای از اجزاء هر تولید به خارج متصل است، و لذا چیزی به نام خودکفایی مطلق حتی در مزیت‌های نسبی وجود ندارد.

۴ اگر مراد محقق‌داماد و نویسنده یادداشت نظام ملکه‌داری است، اشاره به دو نکته ضروری است:

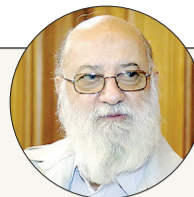
الف) مالکیت خصوصی به شکل لجام‌گسیخته‌ای از دوران مرحوم هاشمی‌رفسنجانی تا امروز وجود داشته است. تعرض به مالکیت خصوصی تقریباً وجود ندارد. به عکس مالکیت‌های خصوصی در پیوند با شبکه‌های قدرت سیاسی به آسانی می‌توانند متعرض مالکیت‌های عمومی شوند. دو عامل «مالکیت خصوصی» و «عدم کنترل دولت روی قیمت‌ها»، که فاکتورهای اصلی اقتصاد بازار و ضدچپ‌گرایی هستند در کشور وجود داشته و دارند.

ب) اگر مراد ایشان از مالکیت خصوصی به ترتیبی است که در دنیای غرب وجود دارد، یعنی استقلال کامل بنیادهای اقتصادی از نهاد سیاست، با این نظر ایشان موافق هستم. صرف‌نظر از تنظیم سالم حدود مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی در یک دولت ملی و حقوق‌مدار، اما به دلایل شرایط سرزمینی و تمرکز و خودکامگی قدرت سیاسی که ایران همواره از فقدان نظام ملکه‌داری رنج می‌برد و به قول آن لمتون «مملکت ملک طلق‌خان سلطان بوده است» در آینده اولین گام باید تأکید روی استقلال بنیادهای اقتصادی و خلع ید دولت از مالکیت‌های عمومی باشد. توضیح اینکه، در دنیای غرب از قرون نهم و دهم میلادی قانونی به نام قانون «مصونیت» وجود داشت، دستگاه سلطنت حتی اگر قدرت مطلق هم پیدا می‌کرد، بنیادهای اقتصادی از بنیادهای سیاسی مستقل بودند. در ایران از عهد هخامنشیان تاکنون سیاست تسلط کامل بر بنیادهای اقتصادی داشته است. تمام واحدهایی که به ابرقدرت اقتصادی تبدیل می‌شدند و می‌شوند، از خلال وابستگی به دستگاه سیاسی است. در دوران پهلوی‌ها صنایع فولاد، ذوب‌آهن، مس سرچشمه، صنعت آلومینیم، صنعت هواپیمایی و راه‌آهن و صنعت نفت و تمام صنایع بزرگ همه در انحصار دولت و عوامل وابسته به حاکمیت بودند. کسانی مانند برادران رضایی، هژبریزدانی، خیامی، فرمان‌فرمانیان، بدون پیوند خوردن با سیاست و سرسپردگی به درگاه سیاست هرگز به غول‌های اقتصادی تبدیل نمی‌شدند. برادران خیامی به ظاهر از ماشین‌شویی شروع کردند، اما بدون پیوند خوردن با اردشیر زاهدی نمی‌توانستند به یک غول‌های اقتصادی تبدیل شوند. بنابراین اگر نگرانی آیت‌الله محقق‌داماد و نویسنده نفوذ چپ‌گرایی، تسلط دولت بر اقتصاد است، بفرمایند در کدام دوره از تاریخ ایران، سیاست بر اقتصاد مسلط نبود؟ اگر مراد آنها آزاد شدن بازار است، بفرمایند به جز دوران حاکمیت تمامیت‌خواهی در دوران جنگ، در کدام دوره از اقتصاد ایران بازار از آزادی نسبی و گاه‌آ از آزادی هرج‌ومرج برخوردار نبود؟ ناظم‌ها و بحران‌هایی که امروز اهالی بازار و کسب‌وکار تجارت و تولید متحمل می‌شوند، ربط کامل دارد به تسلط سیاست خارجی بر سیاست داخلی، و باقی قضایای زاهردی که سرمشق سیاست خارجی است، که هیچ ارتباطی به ماهیت سیاسی بودن چپ و راست ندارد، بلکه ملاحظاتی است که خود آیت‌الله محقق‌داماد و لابد نویسنده محترم بهتر می‌توانند در توصیف آن ورود کنند.

۳

اگر مراد محقق‌داماد همان چیزی است که نویسنده از استقلال یاد می‌کند و می‌نویسد، انقلابیون دنبال استقلال اقتصادی، قطع وابستگی از نظام سرمایه‌داری جهانی و خودکفایی بودند، چند نکته را خدمت ایشان و محقق‌داماد عرض کنم که لابد جریان غرب‌ستیزی و غیرعادی شدن کشور را به نفوذ چپ‌ها نسبت می‌دهند. در جای دیگری به تفصیل توضیح داده‌ام که غرب‌ستیزی و اصطلاح جاهلیت‌مدرن میراث سیدقطب و جریان فدائیان اسلام است. جریان بنیادگرایی که در اول انقلاب بر ارکان سیاسی و اقتصادی کشور مسلط شد، هم در ترجمه آثار و هم پیشینه فکری پیروان خط فکری سید قطب و فدائیان اسلام بودند.

الف) از نویسنده یادداشت و آقای محقق‌داماد می‌پرسم، عیب استقلال اقتصادی و آزاد شدن از وابستگی چیست؟ احتمالاً معنای استقلال اقتصادی و «آزاد شدن از رابط سلطه» را از زبان و ادبیات همین حکمرانان گرفته است. جهت اطلاع ایشان، استقلال در هیچ فرهنگ سیاسی‌ای به معنای غیرعادی‌سازی نیست، وضعیتی که امروز دست‌کم طی چند دهه شاهد آن هستیم. استقلال در معنای درست، انتقال عنان تصمیم‌گیری از خارج به داخل کشور است. اما این معنا کامل نمی‌شود، مگر اینکه سیاست خارجی تابع سیاست داخلی شود و سیاست داخلی نیز حقوق ملی را هدف قرار دهد. کشوری که ۴۰ سال است سیاست خارجی‌محور است، به این معنا که سیاست خارجی تعیین‌کننده سیاست داخلی است، کجا مستقل است؟ سیاست خارجی محوی معنایی جز این ندارد که حکمرانان کلاً از کشش خالی و جز واکنش



۳ زمین برای احداث آرامستان

مهدی جمران، رئیس شورای شهر تهران گفت: مکان آرامستان‌ها مشخص و مقرر شد بودجه مورد نیاز در اصلاح بودجه پیش‌بینی شود. یکی از این مکان‌ها در جنوب‌شرقی تهران، دیگری در شرق و یک زمین نیز در جنوب غربی تهران به صورت قطعی برای احداث آرامستان‌ها به تصویب رسید. البته دو جای دیگر نیز امروز به قطعیت تصویب نشده چراکه باید بر روی پوست ترافیکی ارائه شده آن اصلاحاتی صورت گیرد.



۷ هزار خودروی رسوبی

ابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با بیان اینکه ۷ هزار دستگاه خودروی رسوبی در پارکینگ‌های تهران وجود دارد از مالکان درخواست کرد هر چه سریع‌تر برای ترخیص خودروی خود اقدام کنند. خودروهایی که بیش از یک سال در پارکینگ‌ها توسط پلیس یا مراجع قضایی توقیف شده‌اند، مالکین آنها مکلف و موظف هستند در اولین فرصت تکلیف خودروهای خود را مشخص کرده و برای ترخیص آن اقدام کنند.



جرم اول کشور

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه گفت: سرقت یکی از موضوعات مهمی است که در ۱۳ سال گذشته به‌عنوان جرم اول کشور مطرح بوده و دستگاه‌های مختلف در این خصوص مسئولیت دارند و باید همه از جمله ضابطین، دستگاه‌های قضایی، نهادهای حاکمیتی و مردم به وظایف‌شان عمل کنند. فرهنگ‌سازی مردم در این خصوص بسیار مهم است و همه باید به هم کمک کنیم برای اینکه آمار سرقت را در جامعه کاهش دهیم.

گزارش

میانگین معدل دانش‌آموزان ۱۰.۹۸

افت شدید سطح و کیفیت آموزش در کشور

میانگین معدل دانش‌آموزان در خرداد ۱۴۰۳ در مجموع سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی در پایه دوازدهم ۱۰.۹۸، پایه یازدهم ۱۰.۶۲ و پایه دهم ۱۱.۵۹ است که حکایت از وضعیت فاجعه‌بار سطح و کیفیت آموزش در مدارس سراسر کشورمان است. نتایج نمرات امتحانات نهایی به‌عنوان یکی از شاخص‌ها برای بررسی عملکرد و کیفیت آموزش و پرورش کشور شناخته می‌شود و افت نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی به همراه عملکرد ضعیف دانش‌آموزان ایرانی در نتایج «آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز» نشان می‌دهد که وضعیت کیفیت در آموزش و پرورش کشورمان اصلاً مطلوب نیست. اگرچه مسئولان همچون رضا مرادحیرایی، وزیر سابق آموزش و پرورش از افزایش نیم‌نمره‌ای میانگین معدل دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۳ به‌عنوان یک دستاورد سخن گفت اما همچنان وضعیت نمرات دانش‌آموزان قابل قبول نیست. میانگین معدل دانش‌آموزان در خرداد ۱۴۰۳ در مجموع سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی در پایه دوازدهم ۱۰.۹۸، پایه یازدهم ۱۰.۶۲ و پایه دهم ۱۱.۵۹ است. میانگین معدل در پایه دوازدهم بدین شرح است: رشته علوم تجربی: ۱۲، رشته ریاضی فیزیک: ۱۱.۸۲، رشته علوم انسانی: ۹.۱۳. میانگین کنسوری نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۲ بدین شرح بود: رشته تجربی: ۱۱.۲۳، رشته ریاضی: ۱۰.۷۹، رشته انسانی: ۸.۷۵.

با وجود افزایش نمرات دانش‌آموزان در خرداد ۱۴۰۳ که می‌تواند ناشی از طراحی بهتر و استانداردتر سوالات امتحانات نهایی یا عملکرد بهتر دانش‌آموزان باشد اما متأسفانه همچنان میانگین نمرات دانش‌آموزان کشور پایین است و این افت معدل حداقل در ۶ سال اخیر مشاهده می‌شود. البته یکی از دلایل افت معدل دانش‌آموزان در امتحانات نهایی، می‌تواند طراحی سوالات دشوار و خارج از استاندارد باشد که با سطح آموزش‌های ارائه شده توسط مدارس به دانش‌آموزان هماهنگ نیست. برای اثبات این موضوع وضعیت میانگین معدل دانش‌آموزان پایه دوازدهم در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ را مشاهده می‌کنید: علوم تجربی، سال ۱۳۹۸: ۱۳.۷۷ و در سال ۱۴۰۳: ۱۲.۱۴، ریاضی فیزیک، سال ۱۳۹۸: ۱۳.۲۸ و در سال ۱۴۰۳: ۱۱.۸۲، علوم انسانی، سال ۱۳۹۸: ۱۰.۷۶ و در سال ۱۴۰۳: ۹.۱۳. وضعیت نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی خرداد ۱۴۰۳ بدین شرح است: رشته علوم تجربی، پایه دوازدهم: ۱۲، پایه یازدهم: ۱۱.۵۲، پایه دهم: ۱۲.۶۴، رشته ریاضی فیزیک، پایه دوازدهم: ۱۱.۸۲، پایه یازدهم: ۱۱.۲۶، پایه دهم: ۱۲.۶۹، رشته علوم انسانی: پایه دوازدهم: ۹.۱۳، پایه یازدهم: ۹.۰۷، پایه دهم: ۹.۴۴.

نمرات بالاتر مدارس دولتی نسبت به غیردولتی

میانگین نمرات دانش‌آموزان در مدارس دولتی البته با احتساب مدارس خاص همچون سمپاد، نمونه دولتی و شاهد از مدارس غیردولتی بالاتر است. در رشته ریاضی فیزیک نمرات در مدارس دولتی ۰.۳۴ بالاتر از مدارس غیردولتی است. در رشته علوم تجربی نمرات مدارس دولتی ۱.۱۲ نمره بالاتر از مدارس غیردولتی است. در رشته علوم انسانی نمرات مدارس دولتی ۰.۵۴ نمره بالاتر از مدارس غیردولتی است.

جا ماندن عملکرد مدارس دولتی عادی در تحلیل‌ها!

با این حال در تحلیل‌های وزارت آموزش و پرورش، عملکرد مدارس دولتی عادی با مدارس غیردولتی مشخص نشده است و بالاتر بودن نمرات در مقایسه با مدارس غیردولتی به دلیل عملکرد بالای مدارس سمپاد است. متأسفانه ارائه تحلیل‌های این چنینی مانع از ارائه وضعیت شفاف از عملکرد مدارس دولتی عادی می‌شود در نتیجه هر نوع برنامه‌ریزی برای ارتقای عملکرد دانش‌آموزان این مدارس و بهبود کیفیت به حاشیه می‌رود.

سیستان و بلوچستان باز هم ضعیف‌ترین

بررسی وضعیت نمرات دانش‌آموزان در استان‌های مختلف کشور نشان می‌دهد باز هم بالاترین نمرات و تغییرات همانند سال‌های گذشته به استان‌های یزد، سمنان، مازندران و تهران اختصاص دارد. کمترین نمرات هم همچنان مربوط به استان سیستان و بلوچستان است.

قرار بگیرد، معنایش آن است که راه برای داوطلبان دیگر استان‌ها به مراتب سخت‌تر خواهد بود.

سه‌دهک‌های پایین تقریباً هیچ

مسئله مهم این است که ۳۰ نفر برتر کنکور، یعنی نفرات ۱ تا ۱۰ گروه‌های آزمایشی انسانی، تجربی و ریاضی تنها ملاک‌های قضاوت درباره تاثیر کیفیت و عدالت آموزشی برای ورود به دانشگاه نیستند. سال ۱۴۰۲ بود که ایمان افتخاری، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده که «آمار ما درخصوص سه‌دهک اول جامعه از ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور ایران نشان می‌دهد که این سه‌دهک برای دهک اول جامعه ۰.۲ درصد است. از سویی دیگر در کشور ما نزدیک به ۵۰ درصد صندلی‌های دانشگاه در ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور سهم دهک دوم است». او ادامه داد: «در دهک‌های پایینی ما اتفاق عجیبی دیده می‌شود؛ در این دهک‌ها وضعیت ورودی کنکور بغرنج و نامطلوب است و راهی برای توجیه کردن ندارد. در واقع نگرانی درخصوص شانس بسیار بسیار پایین این افراد برای تربیت فرزندان در نسل بعدی که نقش مهمی در کشور ایفا می‌کنند، وجود دارد».

ماریج سه‌می‌ها

در سیستم کنکور کشور، سهمیه‌های رسمی وجود دارد که بر نتیجه اکتسابی افراد تاثیر می‌گذارد. مثل سهمیه ایثارگران ۲۵ و ۵ درصدی، سهمیه اعضای بسیج، فرزندان اعضای هیات علمی، سهمیه رزمندگان و اما یک سری سهمیه‌های غیررسمی نیز وجود دارد که به‌خصوص در دانشگاه‌هایی مثل فرهنگیان یا دیگر موسسات آموزش عالی که مراحل گزینش دانشجویان را نیز دارند، اعمال می‌شود. این سهمیه‌های غیررسمی معیار و شاخص خاصی ندارد و به بررسی افکار و اعتقادات دانشجویی می‌پردازد. شاخص‌های قابل تفسیر موسع است و به سلیقه سیاست‌گذاران بسیار بستگی دارد. آزمون‌های استخدامی و مراحل استخدامی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی نیز سهمیه‌های ایثارگران، جایگزینی فرزند با پدر و ... وجود دارد. یک‌سری قوانین و سهمیه‌ها هم نانوشته است، مثلاً برای استخدام در یک سازمان دولتی، قانونی برای عضویت در نیروی بسیج وجود ندارد. اما این عضویت برای داوطلب امتیاز محسوب می‌شود. برای درک بهتر این مطلب، توصیه می‌شود درباره داوطلبان استخدام در آموزش و پرورش با کد ۱۹ مطالعه صورت بگیرد. با وجود تمام این سهمیه‌های نوشته و نانوشته، جوانی که از سیستان و بلوچستان شروع می‌کند و به نقاط بالا می‌رسد، یک استثناست و نه قاعده. احتمالاً جوانی که در مناطق محروم است یا به نظر خودش نمی‌تواند از ماریج سهمیه‌های نوشته و نانوشته عبور کند، انگیزه‌ای هم برای ادامه دادن ندارد.

است، اتفاقی که امسال هم با در نظر گرفتن سهم ۷ درصدی از بین ۳۰ نفر برتر نشان می‌دهد که واقعاً این مدارس نتوانسته‌اند آن طور که انتظار می‌رود سهم قابل توجهی را در کنکور داشته باشند. وضعیت در مدارس نیمه دولتی هم همین است به طوری که در مجموع ۳ گروه آزمایشی علوم ریاضی، تجربی و علوم انسانی تنها دانش‌آموزان دو مدرسه نیمه‌دولتی توانسته بودند در میان برترین‌ها قرار بگیرند. سهم اندکی که نشان می‌دهد حتی حضور در میان نیمه‌دولتی‌ها هم شانس



بیشتری از آنچه در مدارس دولتی وجود دارد، در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌دهد. اتفاقی که می‌تواند تا مسئولان آموزش و پرورش یک بار برای همیشه فکری برای این داشته باشند؛ چراکه طبیعتاً بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی در مدارس دولتی تحصیل کرده و از سویی دیگر، این مدارس سهم قابل توجهی را در استان‌های محروم از حیث بار آموزشی در دوره متوسطه بر عهده دارند اما سهم کمتر از ۱۰ درصدی این مدارس در برترین‌های کنکور نشان می‌دهد عملاً شانس قرارگیری آنها در میان برترین‌ها به شدت پایین است. همچنین مسأله غیرقابل انکار آن است که بعد از سمپادی‌ها، این دانش‌آموزان غیرانتفاعی هستند که می‌توانند سهم بیشتری را از سفره برترین‌های کنکور داشته باشند. اتفاقی که بار دیگر این مهم را یادآور می‌شود که برای رسیدن به رتبه برتر کنکور که مجوز تحصیل در رشته و دانشگاه برتر کشور خواهد بود، نمی‌توان خیلی به تحصیل در مدارس دولتی و نیمه‌دولتی دلخوش کرد و عملاً شانس قبولی از طریق این مدارس با در نظر گرفتن جمعیت دانش‌آموزی آنها به حدی پایین و شاید غیرممکن باشد. موضوع مهم دیگری که شاید توجه به آن خالی از لطف نباشد این است که در میان ۳۰ داوطلب برتر در ۳ گروه آزمایشی یاد شده ۱۰ نفرشان از تهران بوده‌اند که از این میان ۶۰ درصدشان را سمپادی‌ها تشکیل داده‌اند و ۴۰ درصد دیگر نیز غیرانتفاعی هستند؛ یعنی عملاً حتی یک برگزیده نیز از مدارس دولتی در استان تهران نتوانسته بود خودش را در میان برترین‌های این ۳ گروه برساند. این مسأله قطعاً لزوم آسیب‌شناسی نسبت به کیفیت این مدارس را در استان‌های پیش می‌کند؛ چراکه قطعاً وقتی داوطلبی نتواند از مدارس دولتی در پایتخت کشور در میان برترین‌ها

گروه اجتماعی: رئیس‌جمهور نسبت به بازنگری و ساماندهی سهمیه‌های کنکور ضرب‌الاجل سه ماهه داد. در این دستور که خطاب به وزارت علوم، سازمان ملی سنجش، وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی است، آمده که «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه با همکاری سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نسبت به بازنگری تمامی سهمیه‌های سنجش و پذیرش دانشجو اقدام و طرح تفکیک استانی سهمیه‌ها را جهت تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و اجرا از سال ۱۴۰۵ به ستاد علم و فناوری دبیرخانه این شورا پیشنهاد نماید».

آمارهای زیادی از وضعیت تبعیض آمیز سیستم آموزشی و تاثیرهای مستقیم و غیرمستقیم آن بر وضعیت کیفیت تحصیل دانش‌آموزان وجود دارد؛ و از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به اعداد و ارقام سهمیه‌های تبعیض آمیز کنکور و بعد از آن نیز شیوه‌های سهمیه‌های استخدام و به کارگیری نیروی انسانی براساس معیارهای غیراستاندارد به مرور زمان انگیزه میان جوانان از بین رفته است. چراکه همواره مسیرهایی جایگزین و سراسرست به غیر از مسیرهای معمول وجود دارد.

آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی رئیس مرکز سنجش آموزش و پرورش درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به این شرح است: «در رشته علوم تجربی، میانگین معدل دانش‌آموزان از ۱۱.۲۳ سال گذشته به ۱۲، رشته ریاضی فیزیک از ۱۰.۷۹ به ۱۱.۸۲ و در علوم انسانی از ۸.۷۵ به ۹.۱۳ رسیده است. معدل میانگین در مجموع سه رشته از ۱۰.۲۳ به ۱۰.۸۹، ۱۰۰ صدم رسیده و ۵۵ صدم در مجموع سه رشته ارتقای نمره صورت گرفته است».

رتبه‌های برتر

هر سال اعلام می‌شود که چه سهمی از رتبه‌های برتر کنکور مربوط به مدارس خاص هستند و چه تعدادی از آنان به مدارس معمولی تعلق دارند. چندی پیش اعلام شد که «بررسی نوع مدارس در ۳ گروه اصلی آزمایشی کنکور امسال هم نشان می‌دهد که باز دست برتر با دانش‌آموزانی بوده که در مدارس سمپاد و تیزهوشان درس خوانده‌اند؛ به طوری که ۲۳ درصد از برترین‌های این سه گروه را سمپادی‌ها تشکیل داده‌اند. جالب اینجاست که در گروه علوم تجربی حتی یک نفر هم از مدارس غیرسمپادی‌ها وجود ندارد! درحالی که سهم این مدارس در دو گروه ریاضی و علوم انسانی ۶۰ درصد بوده است».

در تمام این سال‌ها بحث کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی و سهم اندک آنها در میان برترین‌های کنکور همیشه مورد نقد بوده

۲۰ سال اینترنت رایگان

همراه اول به مناسبت فرارسیدن ماه مهر و آغاز سال تحصیلی جدید، پوشش «بازگشت به کلاس» را طراحی کرده است و دانش‌آموزان و دانشجویان می‌توانند تا پایان آبان ۱۴۰۳ با خرید سیمکارت‌های دانشجوی، انارستان، جوانان و یا نوجوانان در قرعه‌کشی بزرگ نیز شرکت کنند. تمامی دانش‌آموزان و دانشجویانی که با خرید سیمکارت همراه اول در این پوشش مشارکت کنند علاوه بر دریافت بسته‌های اینترنت، مکالمه و دیجیتال در قرعه‌کشی «۴۸۰۰ گیگابایت اینترنت معادل ماهی ۲۰ گیگابایت اینترنت رایگان به مدت ۲۰ سال» برای ۲۰ نفر نیز شرکت داده خواهند شد. تمامی والدین دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه

دوم می‌توانند با خرید سیمکارت دائمی نوجوانان یا سیمکارت اعتباری انارستان برای فرزندان خود، آنان که بیش از سایر اقشار سنی با اینترنت، ابزارهای دیجیتال، آموزش و یادگیری آنلاین سرو کار دارند و در تعامل بیشتری با دستیارهای هوش مصنوعی هستند را یاری کنند. تمامی دانشجویان نیز می‌توانند با خرید سیمکارت دائمی جوانان یا سیمکارت اعتباری دانشجویی در این پوشش مشارکت کنند. سیمکارت دائمی «نوجوانان» با بسته خوشامدگویی ۴۰ گیگابایت ۱۰ ماهه ویژه اینترنت خانواده، ۲۰۰ دقیقه مکالمه داخل شبکه (تماس با خطوط همراه اول یا تلفن ثابت) یک ماهه، ۲۰ دقیقه مکالمه خارج شبکه یک ماهه و ۲۰۰ پیامک یک ماهه و با ۵۰ درصد

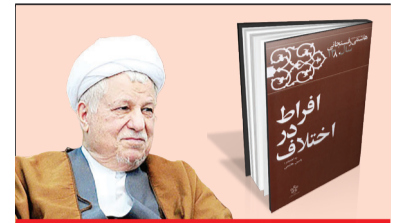
تخفیف به قیمت ۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود. سیمکارت اعتباری «انارستان» با بسته خوشامدگویی ۶۳ گیگابایت اینترنت ۹ ماهه (هر ماه ۷ گیگابایت روزه) و ۳ گیگابایت اینترنت یک ماهه، ۵۰۰ تومان شارژ اولیه و به صورت رایگان واگذار می‌شود. نکته مهم در ارتباط با این سیمکارت‌ها، انتقال خودکار مالکیت آنها از والدین به فرزندان در سن ۱۸ سالگی است. سیمکارت دائمی «جوانان» با بسته خوشامدگویی ۱۰ گیگابایت اینترنت ۳۰ روزه، ۱۰ گیگابایت اینترنت ۴ ماهه، ۲۰۰ دقیقه مکالمه داخل شبکه (تماس با خطوط همراه اول یا تلفن ثابت) یک ماهه، ۲۰ دقیقه مکالمه خارج از شبکه یک ماهه و با تخفیف ویژه ۵۰ درصدی به قیمت ۸۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقلانعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۱۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۹۵

ادامه یک‌شنبه ۳۱ تیر

جلسه هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی

عصر هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی جلسه داشت. ترازنامه مالی سال ۱۳۷۹ را تصویب کردیم. حدود ۱۶۰ میلیارد تومان هزینه و همین مبلغ درآمد بوده است. شهریه سال آینده را ۱۲ درصد بیشتر از سال جاری تصویب کردیم و چند واحد جدید و شرایط تأسیس واحد جدید تصویب شد. مقرر شد آیین‌نامه‌ای برای انتقال دانشجویان برای تسهیل مشکلات مردم در شهرستان‌ها تهیه شود.

در روزنامه‌ها، مشاخره بر سر درگیری‌های دو جناح و قوه قضاییه و متهمان ادامه دارد و بازداشت اطرافیان آیت‌الله منتظری با نامه‌ها و مصاحبه‌های فرزندان ایشان در رسانه‌های خارجی انعکاس وسیعی دارد. اختلاف رأی دو دادگاه تجدیدنظر در پرونده [اکبر] گنجی هم مورد مشاخره است و دولت آمریکا از گنجی در برنامه ویژه صدای آمریکا [VOA] حمایت کرده است.

سران گروه هشتاد در بیانیه پایانی اجلاس جنوا بر اعزام نیروهای [حافظ] صلح [سازمان ملل] به فلسطین تأکید کردند. در تظاهرات وسیع مردم علیه اجلاس، دو نفر کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند و با توجه به تکرار مخالفت‌های تند مردمی تصمیم گرفتند اجلاس‌های بعدی را در شهرهای کوچک متروزی برگزار کنند.

در اندونزی به دنبال وقوع دو انفجار در دو کلیسای کاتولیک و ارتدوکس، ارتش اندونزی به خیابان‌ها آمد و در حقیقت برای حفاظت از اجلاس مجلس برای استیضاح و پیشگیری از شورش طرفداران [عبدالرحمن] وحید، [رئیس‌جمهور اندونزی]؛ او در نظمی مردم را دعوت به آرامش کرده و در عین حال گفته است، اگر مخالفان حکومت را گرفتند، او مسئول نیست.

دوشنبه ۱ مرداد

اعلام وضع فوق‌العاده در اندونزی

دکتر [علیرضا] مرندی و دکتر [محمدحسین] نیک‌نام آمدند. درخواست کردند که اجلاس پزشکان مسلمان مقیم آمریکا را افتتاح کنم. صدها پزشک مسلمان عمدتاً پاکستانی و عرب و تعدادی هم ایرانی، جمعیتی دارند و دوسالانه در یک کشور اسلامی جلسه دارند و این بار با خانواده‌ها به ایران آمده‌اند. سه روز اجلاس دارند و بیشتر مسائل علمی مطرح است.

آقای [عبدالمجید] معادیخواه، [رئیس بنیاد تاریخ انقلاب] همراه محسن، [سرپرست دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام] آمد. پیشنهاد شرکت در گفت‌وگو با نخبگان را پیگیری کرد. استدلال او این است که امروز عملاً سخنگوی انقلاب و جناح وفادار به نظام، افرادی مثل آقای [محمدتقی] مصباح [یزدی] و... هستند و با توجه به افکار و استدلال‌های آنها، مخالفان نظام خیلی بهره می‌برند و لازم است، افکار منطقی انقلاب مطرح شود. مشکلات کار را از لحاظ اشکالات مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها و نیز تنگ‌نظری افراطی‌ها در مطرح شدن افکار اسلامی توضیح دادم.

امداد امروز، عبدالرحمان وحید، رئیس‌جمهور اندونزی بعد از هفته‌ها تردید، وضع فوق‌العاده اعلام کرد و مجلس را منحل کرد اما مجلس، ارتش، پلیس و دادگاه عالی، حکم او را غیرقانونی خواندند و پارلمان تحت حمایت پلیس و ارتش، جلسه تشکیل داد؛ وحید را عزل کرد و خانم مگالوتی سوکارنو را که معاون اوست به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کرد. قبلاً از لحاظ قانونی باید سوکارنو انتخاب می‌شد اما علمای دینی با انتخاب آن به ریاست‌جمهوری مخالفت کردند. وحید در رأس محفل علمای دینی بود.

تراژدی بی‌جه در پاکدشت

بازخوانی یکی از مهم‌ترین پرونده‌های جنایی دهه ۸۰ پس از ۲۰ سال



سخت پدر از او دست کشید. سپس عاشق دختر عمه‌اش که دانشجوی پزشکی بود، شد. همدیگر را می‌خواستند اما باز هم پدر دست رد به سینه‌اش زد و ناکام ماند.

زبانه کشیدن شعله‌های انتقام

در آن شرایط روانی آسیب‌پذیر، انتقام را با کشتن حیواناتی چون سگ و گربه به آغاز کرد و برای آن توجیه هم داشت. حیوانات را می‌کشت چون مانند خودش زندگی خوبی نداشتند و به خیالش می‌خواست آنها را راحت کند. بعد اما پا را فراتر گذاشت و به ریوند، تجاوز و کشتن کودکان روی آورد. درباره جنایت‌ها و انگیزه‌هایش گفته بود: «من در بچگی مورد تعرض قرار گرفته بودم و به خاطر شرایط بد زندگی ام، مجبور بودم کار کنم. وقتی بزرگ‌تر شدم هر بار کودکی را می‌دیدم، وسوسه می‌شدم به او تعرض کنم و او را بکشم. بعد از قتل احساس بدی نداشتم و راحت بودم. اما این اواخر دیگر خسته شده بودم و دلم می‌خواست دستگیر شوم به همین خاطر از خودم سرنرخ باقی گذاشتم». در اسفند سال ۸۳ به جرم قتل عمدی ۲۰ کودک، زن و مرد پس از اعمال ۱۰۰ ضربه شلاق با طنابی متصل به یک جر قه‌بیل به دار آویخته شد. پس از اعدام هیچ‌یک از اعضای خانواده‌اش، جنازه‌اش را تحویل نگرفتند و جسدش در مکانی نامشخص دفن شد. در روز اعدام بیجه بیش از پنج هزار نفر در محل حاضر شده بودند و طناب دار را مادر یکی از قربانیان به نام علی احمدی ۱۰ ساله به گردن او انداخت.

درباره قتل‌ها و عملیات دستگیری

عاشورای سال ۸۱ نخستین قربانی خود را که پسری ۹-۱۰ ساله بود به دام انداخت. پس از تجاوز، کودک را با ضربات سنگین به قتل رساند و چند روز بعد زمانی که ماموران جسد کودک را پیدا کردند با بی‌تفاوتی در صحنه حاضر شدند و در مجلس ختم او هم شرکت کرد. پس از کشتن چهارمین قربانی و انداختن جسد او در کوره آجرپزی دیگر قربانیان را با تریق سیانور، خفه کردن، ضرب‌وجرح با چاقو و سوزاندن اجساد به قتل می‌رساند. اسامی و مشخصات قربانیان را هم در دفترش یادداشت می‌کرد. به گفته علی دلدار، قاضی دادگاه کیفری یک تهران و نماینده وقت دادستان، بیجه طی جلسات دادگاه، ابراز پشیمانی در چهره‌اش دیده نمی‌شد و حتی حس شرمساری نمی‌کرد. تا شهریور سال ۱۳۸۳ و زمان طرح ناپدید شدن ۳ دانش‌آموز در پاکدشت هنوز ماجرا رسانه‌ای

نیره خادمی گروه تاریخ

۲۰ سال از آن وقتی که ماموران، متجاوز و قاتل سرریالی کودکان را در حوالی یک کانال آب شناسایی کردند، می‌گذرد. محمد، بسیجه معروف به بیجه مشغول زیر نظر گرفتن کودکان با دوربین شکاری‌اش بود که در دام ماموران اداره آگاهی پاکدشت گرفتار شد. او در طول دو سال ۲۰ کودک و بزرگسال را به قتل رسانده و به بسیاری از آنها تجاوز کرده بود. در نخستین روز مهر سال ۸۳ دستگیر شد و ۲۰۰ ساعت زمان برد تا به جرم خود اعتراف کند؛ بعدها هم به بازپرس خود گفته بود که اگر دستگیر نمی‌شدم ۲۰۰ کودک را می‌کشتم چون به تازگی سیانور هم به دستم رسیده بود.

بسیجه که بود؟

محمد بسیجه معروف به بیجه متولد سال ۱۳۶۱ کارگر کوره‌پزخانه‌ای در منطقه پاکدشت بود که در زمان وقوع نخستین قتل تنها ۲۰ سال داشت. در خانواده‌ای پرجمعیت به دنیا آمده بود و ۶ خواهر و ۶ برادر ناتنی داشت. پدرش کارگر کوره‌پزخانه بود. در چهار سالگی مادرش را به علت ابتلا به سرطان از دست داده بود و اصلاً او را به یاد نمی‌آورد. می‌گفت، پدرش آدمی بد اخلاق و مستبد بوده است، از دوران کودکی او را به سختی کتک زده، با زنجیر پاهایش را می‌بسته و با چوب به بدن او ضربه می‌زده است. بیجه به یاد می‌آورد که یک بار پدرش قصد داشته با میله، او را به قتل برساند و یک بار هم با آجر به سرش کوبیده تا بمیرد. درس و مدرسه را دوست نداشته، اما با فشار و اجبارهای پدر مجبور به ترک آن شده تا به کار مشغول شود. در ۱۱ سالگی به همراه خانواده به خاتون‌آباد رفته و در کوره مشغول به کار شده است. بیجه در آن سال‌های نوجوانی چندین بار مورد آزار جنسی قرار گرفت و از همان زمان آتش انتقام در او شعله کشید اما هنوز خیلی کوچک بود که زبانه‌های آتش خشم او دیگران را گرفتار کند. در این باره گفته بود: «وقتی آن شخص در کودکی به من تجاوز کرد، کتک سختی هم به من زد. همان موقع آنقدر از خودم بدم آمد که آرزو کردم ای کاش مرا می‌کشت. یک بار هم در همان سال‌ها به فکر خودکشی افتادم. این خاطره تأثیر خیلی بدی در روحیه‌ام گذاشت». در ۱۸ سالگی عاشق یک دختر افغانستانی شد و حتی قصد فرار با او را داشت اما با مخالفت‌های

نگاه

مکر عقل و فریب تاریخ



پرسیده‌اند این مکر عقل و فریب تاریخ که هگل و مارکس از آن گفته‌اند، چیست و چه معنی دارد؟ و مگر تاریخ از درک و فهم و زیرکی برخوردار است که اقوام و حکومت‌ها را فریب دهد؟

تاریخ به معنایی که در آثار بعضی فیلسوفان دو قرن اخیر آمده است، عین درک و فهم و راهبر آن است و راه معاش و کار و سیاست در روشنایی و تاریکی آن پیموده می‌شود. تاریخ هم راهنماست و هم گمراه می‌کند. طرح مکر تاریخ در فلسفه جدید امر بی‌سابقه‌ای هم نیست. صفتی که در کتب آسمانی به خدا نسبت داده شده بود، مجدداً آن را به تاریخ نسبت داده‌اند.

در نظر هگل، مثال مکر عقل لغای توهم قدرت و عظمت اشخاصی مثل اسکندر و بناپارت بود که هر دو خیلی زود چون فواره بالا رفته و سرنگون شدند. اما آثار فریب تاریخ، دامنه وسیع‌تری از این قبیل فریب‌ها دارد. تاریخ می‌تواند مردمان را به ظلمت نادانی مبتلا کند و این امر غالباً با ایجاد خلل و آشوب در زبان صورت می‌گیرد. کنفوسیوس، حکیم نامدار چینی گفته بود که با خارج شدن الفاظ و کلمات از جایگاه خود، پریشانی و بی‌سامانی در زندگی مردمان پدید می‌آید.

نزدیک به ۲۵۰۰ سال بعد، جورج اورول دریافت که جنگ را صلح و بردگی را آزادی و... می‌خوانند. او اگر بیشتر می‌زیست، می‌دید که به جای «جنگ، صلح است» باید بنویسد «صلح دیگر لفظ بی‌معنایی است» و آن را از زبان بیرون باید انداخت.

او هم چنین می‌دید که مرزهای میسان دانایی و بی‌خردی، عزت و ذلت، توانایی و درماندگی و عفت و هرزگی و هوس‌بازی، راست و دروغ، پیروزی و شکست، وطن‌دوستی و بی‌وطنی و به طور کلی مرز میان فضیلت و رذیلت برداشته شده است و این آخرین مکر و حيله تاریخ بود. زیرا با این مکر تاریخ خانه خود را ویران کرد.

مردمان دیگر آینده و امید ندارند و مردمان سرگرم بازی ایامند و در این مشغولیت، نمی‌دانند و نمی‌توانند بیندیشند که چه می‌کنند و چه بر سرشان می‌آید. اکنون دیگر از مکر تاریخ نباید گفت زیرا فریب‌دهنده و فریفته هیچ یک در میان نیستند و معلوم نیست که جهان به کجا می‌رود.

تقویم

رکورددار پرواز با جنگنده فانتوم

سالگرد درگذشت خلبان منوچهر محقق



امیر سرتیب خلبان منوچهر محقق که به خلبان تاپ‌کان نیروی هوایی ارتش نیز معروف است، نهم مهرماه سال ۱۴۰۰ پس از تحمل دوره سخت بیماری از دنیا رفت. او توانست از ابتدای دوران فعالیتش در ارتش جمهوری اسلامی ایران، رکورددار پرواز با جنگنده فانتوم باشد. در دوران دفاع مقدس ۱۸۲ پرواز برون‌مرزی را در کارنامه خود دارد که از این حیث در ایران و خاورمیانه رکورددار است. یک هزار ساعت پرواز رزمی در دوران جنگ تحمیلی، انجام بیش از ۲۰۰ مأموریت خطرناک، حضور مؤثر در عملیات‌های کمان ۹۹ و مروراید در جهت شکستن ستون فقرات دشمن یعنی، فرماندهی دسته ۴۰ فروندی در عملیات ۱۴۰ فروندی کمان ۹۹ و رکورد پرواز رزمی با جنگنده فانتوم از مهم‌ترین سابق خدمتی امیر سرتیب خلبان منوچهر محقق است. او به واسطه برخی از عوارض و نارسی‌های جسمانی‌اش که به واسطه ساعت بالای پروازی روی داده بود با بیماری روبرو شد و در ماه‌های پایانی عمر خود به دلیل خونریزی مغزی در بیمارستان بستری شد و در نهایت نهم مهرماه سال ۱۴۰۰ به هم‌زمان شهیدش پیوست.